



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیمای مهدی در قرآن

Vision of Mahdi in Quran

الماهدی

دکتر محمد بیستونی
گروه تحقیق
معهد ملی بیستون، اصفهان، ایران، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای مهدی در قرآن

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سیمای مهدی در قرآن کریم (جلد ۲)
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۹	الإهداء
۱۰	۱ - آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)
۱۱	۲ - تکامل فرهنگی و صنعتی
۱۲	۳ - پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی
۱۲	۴ - فلسفه وجود امام به هنگام غیبت
۱۳	فایده وجود امام در دوران غیبت
۱۴	نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی
۱۴	نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی
۱۵	۱ - اثر امیدبخشی
۱۶	۲ - پاسداری آئین خدا
۱۷	۳ - تربیت یک گروه انقلابی آگاه
۱۸	۴ - نفوذ روحانی و ناآگاه
۲۰	۵ - ترسیم هدف آفرینش
۲۲	چگونگی قیام حضرت مهدی علیه السلام
۲۲	آیا این احتمال قابل قبول است؟
۲۴	و اما از نظر منابع حدیث
۲۶	مفهوم شمشیر
۲۸	سه دوران
۲۹	پیشرفت برق آسای علوم در عصر مهدی علیه السلام

- ۲۹ چه جهشی از این بالاتر و سریعتر!
- ۳۱ پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی
- ۳۵ پیشرفت‌های قضایی
- ۳۸ ۱ - آیین یهودیت
- ۳۹ ۲ - آیین مسیحیت
- ۴۰ ۳ - آیین زرتشت
- ۴۰ آیین زرتشت
- ۴۰ الف - آرمان مهدویت در کتب عامه
- ۴۱ ب - آرمان مهدویت در آئینه کتب شیعی
- ۴۵ ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه‌السلام
- ۴۶ برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه‌السلام
- ۴۶ جهان در عصر پس از ظهور امام زمان (عج)
- ۴۸ سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام
- ۴۹ امنیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی علیه‌السلام
- ۵۰ امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور
- ۵۰ امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور
- ۵۱ الف - نابودی نظام فقرمداری
- ۵۱ ب - رفاه اقتصادی
- ۵۷ استغاثه به حضرت علیه‌السلام
- ۵۹ «کتابنامه»
- ۶۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیمای مهدی در قرآن کریم (جلد ۲)

مشخصات کتاب

- سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -
- عنوان و نام پدیدآور: سیمای مهدی در قرآن = Vision of Mahdi in Qur'an/تالیف محمد بیستونی؛ گروه تحقیق محمدعلی بیستونی، طاهره نوری‌خانی، جواد غریب‌زاده.
- مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.
- مشخصات ظاهری: [۲۸۲] ص.
- شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۸۲-۴
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: کتاب حاضر قبلاً توسط همین انتشارات در سال ۱۳۸۳ به صورت جلدی نیز منتشر شده است.
- یادداشت: کتابنامه: ص [۲۶۹] - ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس
- موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه‌های قرآنی.
- موضوع: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی.
- شناسه افزوده: نوری‌خانی، طاهره
- شناسه افزوده: غریب‌زاده، جواد
- رده بندی کنگره: BP۱۰۴/م ۸۶ ب ۹ ۱۳۸۵
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
- شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۷۱۹۱

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فلسفه غیبت طولانی ۵۰۰۰

۱- آمادگی پذیرش (آمادگی روانی) ۱۰(۰۰۰)

۲- تکامل فرهنگی و صنعتی ۱۳۰۰۰

۳- پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی ۱۵۰۰۰

۴- فلسفه وجود امام به هنگام غیبت ۱۸۰۰۰

فایده وجود امام در دوران غیبت ۲۲۰۰۰

۱- اثر امید بخشی ۲۸۰۰۰

۲- پاسداری آئین خدا ۳۲۰۰۰

(۲۰۶) (۱)

فهرست مطالب

عنوان صفحه

۳- تربیت یک گروه انقلابی آگاه ۳۷۰۰۰

۴- نفوذ روحانی و ناآگاه ۳۹۰۰۰

۵- ترسیم هدف آفرینش ۴۷۰۰۰

چگونگی قیام حضرت مهدی علیه السلام ۵۳۰۰۰

و اما از نظر منابع حدیث ۶۰۰۰۰

مفهوم شمشیر ۷۱۰۰۰

سه دوران ۷۸۰۰۰

پیشرفت برق آسای علوم در عصر مهدی علیه السلام ۸۰۰۰۰

« (۲۰۷) »

فهرست مطالب

عنوان صفحه

پیشرفت خارق العاده صنایع در آن عصر ۸۴۰۰۰

پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی ۸۸۰۰۰

پیشرفت‌های قضایی ۱۰۴۰۰۰

آینده جهان ۱۱۵۰۰۰

۱- آیین یهودیت ۱۱۶۰۰۰

۲- آیین مسیحیت ۱۱۸۰۰۰

۳- آیین زرتشت ۱۲۳۰۰۰

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی علیه السلام ۱۳۳۰۰۰

« (۲۰۸) »

فهرست مطالب

عنوان صفحه

ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه السلام ۱۴۲۰۰۰

برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه السلام ۱۴۶۰۰۰

جهان در عصر پس از ظهور امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» ۱۴۸۰۰۰

فن آوری ارتباطات در عصر مهدی علیه السلام ۱۴۹۰۰۰

سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۴۰۰۰

امیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی علیه السلام ۱۶۰۰۰۰

امیت جهانی در عصر طلایی ظهور ۱۶۱۰۰۰

در ذکر اعمال و آداب مخصوص، جهت ملاقات آن حضرت علیه السلام ۱۷۴۰۰۰

« (۲۰۹) »

فهرست مطالب

عنوان صفحه

دعاهایی که به واسطه خواندن آن می‌توان حضرت حجت علیه السلام را در خواب یا بیداری دید ●●● ۱۷۸

استغاثه به حضرت علیه السلام ●●● ۱۸۹

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدعی مشاهده

آن جناب علیه السلام، در غیبت کبری رسیده است ●●● ۱۹۳

الْإِهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَبَيْنَنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى مَوْلَانَا

وَمَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى بَضْعِهِ

الْمُضْطَفَى وَبَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَإِلَى الْإِثْمَةِ الشَّعْثَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةِ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَالْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ،

الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمْنَا

(۴)

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجِنْنَا بِيضَاعِهِ

مُزْجَاهٍ مِنْ وَلَائِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ

فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

﴿ ۵ ﴾

فلسفه غیبت طولانی (۱)

سؤال دیگری که در زمینه عقیده شیعه درباره مهدی علیه السلام پیش می‌آید، موضوع غیبت طولانی او است که پس از قبول امکان

عمر طولانی مطرح می‌شود و آن این که: چرا مهدی ظهور نمی‌کند با این که فساد و ظلم به قدر کافی وجود دارد؟ چرا با قیام خود

جهان را در مسیر عدل و داد قرار نمی‌دهد؟ آخر تا کی باید نشست و شاهد صحنه‌های ظلم و خونریزی و بیدادگری مستی تبهکار

و از خدا بی‌خبر باشیم؟ چرا این قدر غیبتش به طول انجامیده؟ او در حقیقت انتظار چه چیزی را، دیگر می‌کشد؟

۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.

﴿ ۶ ﴾

و بالاخره سرّ این غیبت طولانی چیست؟

ولی باید توجه داشت گرچه این سؤال معمولاً از شیعه در مسأله غیبت می‌شود، اما با کمی دقت متوجه خواهیم شد که دیگران هم

از آن سهمی دارند؛ یعنی، به شکل دیگر متوجه سایر معتقدان به ظهور یک بزرگ جهانی که روزی باید قیام کند و جهان را پر از

عدل و داد سازد، می‌گردد؛ هر چند عقیده شیعه را درباره طول عمر و غیبت قبول نداشته باشند.

زیرا جای این پرسش از آنها باقی است که چرا آن مصلح بزرگ تاکنون متولّد نشده و اگر شده است چرا قیام نمی‌کند و دنیای

تشنه را با جام عدالت و دادگری خویش سیراب نمی‌سازد؟ بنابراین، اشتباه بزرگی است اگر این ایراد را تنها متوجه شیعه بدانیم. (۷) (۱۱)

و به تعبیر دیگر، شک نیست که مسأله طول عمر (بحث گذشته) و مسأله فلسفه وجود امام در زمان غیبت (بحث آینده) از سؤالاتی است که تنها متوجه شیعه می‌گردد، اما متأسفانه تأخیر ظهور او مطلبی است که همه معتقدان به ظهور آن مصلح جهانی باید به آن بیندیشند که چرا با آمادگی جهان، آن ظهور بزرگ به وقوع نمی‌پیوندد؟ (دقت کنید) به هر حال، این سؤال یک پاسخ کوتاه دارد و یک پاسخ مشروح؛ پاسخ کوتاه آن این است که برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است؛ و هنوز متأسفانه دنیا آماده پذیرش چنان حکومتی نشده است و به محض آمادگی، قیام او قطعاً می‌آید!

(۸) (۱۱)

اما توضیح این سخن:

اولاً: باید توجه داشت که همان‌گونه که سابقاً اشاره شد - برنامه قیام مهدی، همانند برنامه قیام همه پیامبران الهی، از راه بهره‌گیری از وسائل و اسباب طبیعی انجام می‌گیرد و هیچ‌گاه اعجاز اساس آن را تشکیل نمی‌دهد؛ معجزات جنبه استثنایی دارند و در روند برنامه‌های اصلاحی رهبر آسمانی - جز در موارد استثنایی - دخالت نخواهند داشت. به همین دلیل، همه انبیاء از سلاح روز، تربیت افراد لایق، مشورت‌های لازم، طرح نقشه‌های مؤثر، تاکتیک‌های نظامی حساب شده و خلاصه، فراهم ساختن هرگونه امکان مادی و معنوی برای پیشبرد هدفشان استفاده می‌کردند و در انتظار این نمی‌نشستند که هر روز معجزه‌ای واقع شود و دشمن یک گام عقب‌نشینی کند، یا

(۹) (۱۱)

دوستان در پرتو اعجاز هر روز در مسیر تکامل گامی به پیش بگذارند.

بنابراین، اجرای طرح حکومت حق و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسایل مادی و معنوی لازم - جز در موارد استثنایی - تحقق پذیرد.

به تعبیر دیگر، مهدی علیه‌السلام آئین و مذهب جدیدی با خود نمی‌آورد بلکه او طرح‌های انقلابی اجرا نشده الهی را به مورد اجرا می‌گذارد. رسالت او تنها ابلاغ و انذار و تعلیم و تربیت و توصیه و تذکر نیست. رسالت او اجرای همه اصولی است که به ظلم و ستم و تبعیض در سایه حکومت علم و ایمان پایان می‌بخشد و مسلماً اجرای این طرح بدون آمادگی یا آمادگی‌ها ممکن نیست. ثانیاً، با توجه به اصل اساسی بالا روشن می‌شود که چرا می‌گوییم هنوز وجود این آمادگی مسلم نیست؛ چه این‌که، حداقل چند نوع آمادگی برای این کار لازم است:

(۱۰) (۱۱)

۱ - آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)

مردم جهان باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌ها را درک کنند.

مردم جهان باید نارسائی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی لمس کنند.

مردم جهان باید این حقیقت را بیابند که تنها در سایه اصول و پیوندهای مادی و ضمانت اجرایی موجود و مقررات خودساخته انسان‌ها مشکل جهان حل نمی‌شود؛ بلکه مشکلات هر روز متراکم‌تر و به گونه کلاف سردرگمی پیچیده‌تر می‌گردد.

مردم جهان باید احساس کنند که بحران‌های کنونی زاینده نظامات کنونی است؛ و این نظامات از حل بحران‌ها سرانجام عاجزند.

مردم جهان باید درک کنند که برای وصول به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه

« (۱۱) »

لازم است که متکی به ارزش‌های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد، نه تنها اصول خشک و بی‌روح و نارسایی مادی. مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاما به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسان‌ها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و الا - همان گونه که بارها دیده‌ایم - بلاآفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند بر حجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگ‌ها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسان‌های شایسته.

« (۱۲) »

بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمه‌های آب نمی‌روند. و به تعبیر دیگر، تا در مردم جهان تقاضایی نباشد، عرضه هر نوع برنامه اصلاحی، مفید و مؤثر نخواهد بود؛ که قانون «عرضه و تقاضا» بیش از آنچه در مسائل اقتصادی مورد توجه است در مسائل اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

این سؤال پیش می‌آید که این حالت عطش و تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند؟ در پاسخ می‌گوییم: قسمتی از آن را گذشت زمان و بدون آن ممکن نیست، اما قسمت دیگری بستگی به تعلیم و تربیت دارد؛ باید با رستخیز فکری که از طرف اندیشمندان باایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می‌آید، عملی گردد.

« (۱۳) »

آنها باید با برنامه‌های انسان‌سازی خود، حداقل این آگاهی را به مردم جهان بدهند که با این اصول و قوانین و روش‌هایی که در دست دارند مشکلات اساسی حل نخواهد شد؛ و به هر حال، این نیز نیازمند به زمان است.

۲ - تکامل فرهنگی و صنعتی

از سوی دیگر گردآوری تمام مردم جهان در زیر یک پرچم، کوتاه ساختن دست زورمندان و قلدران در همه جا گستردن تعلیم و تربیت در آخرین حد امکان در همه سطوح، تفهیم کامل این مسأله که اختلاف زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و مانند آنها، دلیل بر این نیست که مردم جهان نتوانند همانند برادران، در یک خانواده زندگی کنند؛ و در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند.

« (۱۴) »

و فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همه انسان‌ها، نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از یک سو و تکامل وسائل صنعتی از سوی دیگر دارد؛ و سائلی که بتواند پیوند سریع و نزدیک و دائمی میان تمام نقاط جهان برقرار سازد، که آن هم بدون گذشت زمان ممکن نیست.

چگونه ممکن است یک حکومت به وضع همه جهان رسیدگی کند اگر ارتباطات به کندی صورت گیرد؟ چگونه می‌توان با وسائل که فرستادن یک پیام با آن به نقاط دور افتاده جهان یک یا چند سال وقت لازم دارد دنیا را اراده کرد؟

از پاره‌ای از روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر قیام مهدی علیه السلام ترسیم می‌کند - و بعدا به خواست خدا مشروحا پیرامون آن بحث خواهد شد - استفاده

(۱۵) (۱۱)

می‌شود که پیشرفت تکنولوژی و صنعت مخصوصاً صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قاره‌های بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم درمی‌آیند؛ و شرق و غرب حتی حکم یک خانه را پیدا می‌کند؛ مشکل زمان و مکان به کلی حل خواهد شد.

البته ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالا-خره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد.

۳- پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی

سرانجام لازم است گروهی هرچند در اقلیت باشند در این جهان پرورش یابند (۱۶) (۱۱)

که هسته اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند.

باید در میان این جهنم سوزان، گل‌هایی بروید تا مقدمه گلستانی گردد؛ باید در این شوره‌زار نهال‌هایی تربیت شوند تا پیام آور بهار برای دگران باشند.

باید افرادی فوق‌العاده آگاه، شجاع، دلسوز؛ فداکار و جانباز برای این کار تربیت شوند هرچند نسل‌هایی برای این منظور یکی پس از دیگری بگذرند تا ذخایر اصلی آشکار گردد و عناصر اصلی انقلاب فراهم شود و این نیز زمان می‌خواهد.

اما این که چه کسی باید عهده‌دار پرورش این گونه افراد گردد؟ باید به خاطر داشته باشیم که این برعهده همان رهبر بزرگ است که به طور مستقیم

(۱۷) (۱۱)

یا غیرمستقیم دست به چنین برنامه‌ای بزند (شرح بیشتر پیرامون این موضوع به خواست خدا در بحث آینده خواهد آمد). در روایات اسلامی یکی از علل طولانی شدن غیبت امام علیه‌السلام مسأله امتحان و آزمون عمومی مردم؛ و انتخاب اصلح ذکر شده که ممکن است اشاره به همین موضوع باشد.

توضیح اینکه: آزمون‌های انسانی الهی، همچون آزمون‌های به خاطر آگاهی بیشتر به حال آزمون شدگان نیست، بلکه به معنی پرورش استعدادها و آشکار ساختن شایستگی‌ها و جداسدن صفوف از یکدیگر است.

و به تعبیر دیگر، هدف آنها تربیت و تکامل یا ایجاد آمادگی است؛ زیرا احاطه علمی خداوند نسبت به همه چیز هرگونه هدف آگاهی‌طلبی را از آزمون‌های الهی سلب می‌کند.

(۱۸) (۱۱)

از مجموع این بحث روشن شد که چرا غیبت مهدی باید این گونه طولانی باشد.

۴- فلسفه وجود امام به هنگام غیبت

سؤال دیگری که درباره عقیده شیعه و ویژگی‌های آن، پیرامون وجود مهدی علیه‌السلام پیش می‌آید این است که:

امام علیه‌السلام در هر حال رهبر و پیشوا است و وجود یک رهبر در صورتی می‌تواند مفید باشد که تماس مداوم با پیروان خود داشته باشد؛ امام غائب از نظر و ناپیدا، چگونه نقش رهبری خود را ایفا کند؟!

به تعبیر دیگر، زندگی امام علیه‌السلام در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه

(۱۹) (۱)

یک زندگی اجتماعی در صورت یک پیشوا، با این حال حق داریم پرسیم این ذخیره الهی چه اثر عمومی برای مردم می‌تواند داشته باشد و چه نوع بهره‌ای مردم می‌توانند از وجود او ببرند؟

او به چشمه آب زلال حیات می‌ماند که در ظلمات باشد و کسی را در دسترسی به وجود او باشد!
به‌علاوه، اصولاً آیا مفهوم غایب شدن امام علیه‌السلام این است که وجودش به یک روح نامرئی یا امواج ناپیدا و اثری و امثال این‌ها تبدیل شده؟ آیا این با علم سازگار است؟

این سؤال - بدون شک - سؤال مهمی است؛ ولی اشتباه است که گمان کنیم بی‌جواب مانده؛ اما اجازه بدهید نخست به پاسخ جمله اخیر بپردازیم که مایه سوء تفاهم ناجوری برای گروهی گردیده است و پس از روشن شدن آن به سراغ بقیه سؤال‌ها می‌رویم.

(۲۰) (۱)

صریحاً باید گفت، مفهوم غائب بودن امام علیه‌السلام - چنان که اشاره کرده‌ایم - هرگز این نیست که وجود امام علیه‌السلام در عصر غیبت یک وجود نامرئی و رؤیایی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه‌تر از یک وجود عینی باشد. بلکه، او از نظر زندگی، یک زندگی طبیعی عینی خارجی دارد، منتها با عمری طولانی؛ در میان مردم و دل جامعه‌ها رفت و آمد دارد؛ و در نقاط مختلف زندگی می‌کند؛ و اگر استثنایی در زندگی او هست همین است که او از یک عمر طولانی برخوردار است؛ همین و بس.

او به طور ناشناس در جامعه انسانی زندگی می‌کند و هیچ‌کس درباره غیبت او جز این نگفته است؛ و چقدر فرق است میان «ناشناس» و «نامرئی»!

(۲۱) (۱)

حال که این سوء تفاهم برطرف شد، به سراغ این موضوع می‌رویم که:
بسیار خوب، ولی این چنین زندگی ممکن است برای یک فرد عادی قابل توجیه باشد، امّا آیا برای یک رهبر - آن هم یک رهبر بزرگ الهی - قابل قبول است؟!

شاگردی که معلّم خود را نشناسد، بیماری که به وجود طیب و مطبّ او پی نبرد، تشنه‌ای که از چشمه آب بی‌خبر باشد - هر چند در نزدیکی او قرار داشته باشد - چه بهره‌ای می‌توانند ببرند؟!

جالب این که:

این سؤال تنها امروز برای ما مطرح نیست؛ از روایات اسلامی برمی‌آید که حتی پیش از تولّد مهدی علیه‌السلام در عصر امامان پیشین مطرح بوده و به هنگامی که آنها سخن

(۲۲) (۱)

از مهدی و طول غیبتش به میان می‌آوردند، با چنین سؤال رو به رو می‌شدند و با آغوش باز به آن پاسخ می‌گفتند که نمونه‌ای از آنها را ذیلاً از نظر می‌گذرانیم:

فایده وجود امام در دوران غیبت

در احادیث متعدّد و گوناگونی که در زمینه فلسفه و فایده وجود امام علیه‌السلام در دوران غیبت به ما رسیده، تعبیر بسیار پرمعنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می‌شود که می‌تواند کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ و آن اینکه از پیامبر

صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ این پرسش که چه فایده‌ای وجود مهدی علیه‌السلام در عصر غیبتش دارد فرمود:

« اِی وَالذِّی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّةِ اِنَّهُمْ یَنْتَفِعُوْنَ بِهٖ وَ یَسْتَضِیُّوْنَ بِنُوْرِ وَّلَا یَیْتِهٖ

» (۲۳)

فی غَیْبَتِهٖ کَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَاِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ (۱)؛ آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزیده، مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره می‌گیرند همان‌گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها!

برای فهم این کلید رمز، نخست باید نقش خورشید را به طور کلی و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می‌گردد؛ دریابیم:

خورشید دارای دو نوع نورافشانی است:

نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

یا به تعبیر دیگر، نورافشانی «مستقیم» و نورافشانی غیر «مستقیم».

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۳.

» (۲۴)

در نورافشانی آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می‌شود، هرچند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده همانند یک شیشه ضخیم کار می‌کند؛ شیشه‌ای که هم از شدت تابش آفتاب می‌کاهد و آن را قابل تحمل می‌سازد؛ و هم نور آفتاب را تصفیه می‌کند و شعاع‌های مرگبارش را خنثی و بی‌اثر می‌سازد، ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست.

ولی در تابش غیرمستقیم، ابرها، همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می‌کنند.

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد:

نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می‌شود تنها انرژی خلاق

» (۲۵)

موتورهای زندگی در گیاهان و حیوانات و انسان است:

رشد و نمو موجودات زنده؛ تغذیه و تولیدمثل آنها؛ حس و حرکت و جنبش؛ آبیاری زمین‌های مرده؛ غرش امواج دریا؛ وزش حیاتبخش بادها؛ ریزش دانه‌های زندگی آفرین باران و برف؛ صدای زمزمه آبشارها؛ نغمه‌های مرغان؛ زیبایی خیره‌کننده گل‌ها؛ گردش خون در عروق انسان و طپش قلب‌ها؛ عبور برق‌آسای اندیشه از لابه‌لای پرده‌های مغز؛ و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگ مانند یک کودک شیرخوار نقش می‌بندد و ...

همه و همه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه این‌ها به خاموشی خواهد گرائید و این موضوع را با کمی دقت می‌توان دریافت.

خوب، حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا این برکات و آثار

» (۲۶)

زندگی‌بخش، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد؟

پاسخ این سؤال روشن است: نه، بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد.

مثلاً در کشورها یا شهرهایی که چندین ماه از سال ابرها سراسر آسمان را پوشانیده‌اند آفتاب دیده نمی‌شود، ولی گرما؛ نمو و رویش گیاهان؛ تولید انرژی لازم برای موتور حیات؛ رسیدن غلات و میوه‌ها؛ خندیدن گل‌ها و شکوفه‌ها وجود دارند.

بنابراین، تابش خورشید از پشت پرده ابرها قسمت مهمی از برکات خود را دربردارد؛ و تنها قسمتی از آثار آن که نیاز به تابش مستقیم دارد موجود نیست؛ مثلاً می‌دانیم تابش آفتاب اثر حیاتی خاصی روی پوست و سایر جهاز بدن انسان و

(۲۷) (۱)

موجودات زنده دارد و به همین دلیل در کشورهایی که از این نظر در محرومیت به سر می‌برند در روزهای آفتابی بسیاری از مردم حتی آفتاب می‌گیرند؛ و در برابر این نور حیات بخش برهنه می‌گردند و با تمام ذرات وجود خود که تشنه این هدیه آسمانی است ذرات این نور را می‌مکنند.

و نیز تابش مستقیم آفتاب، علاوه بر این که روشنایی و گرمای بیشتری می‌آفریند، اثر خاصی - به خاطر همان اشعه ماورای بنفش - در کشتن انواع میکروب‌ها و سالم‌سازی محیط دارد که در نور غیرمستقیم دیده نمی‌شود.

از مجموع بحث بالا نتیجه می‌گیریم که هرچند پرده‌های ابر، بعضی از آثار آفتاب را می‌گیرد ولی قسمت مهمی از آن همچنان باقی می‌ماند.

این بود حال «مُشَبَّهٌ بِهِ» یعنی آفتاب، اکنون باز گردیم به وضع «مُشَبَّهٌ»

(۲۸) (۱)

یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت.

اشعه معنوی نامرئی وجود امام علیه‌السلام به هنگامی که در پشت ابرهای غیبت نهان است دارای آثار گوناگون قابل ملاحظه‌ای است که علی‌رغم تعطیل مسأله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار نمی‌سازد. این آثار به صورت زیر است:

۱- اثر امیدبخشی

در میدان‌های نبرد تمام کوشش گروهی از سربازان زبده و فداکار این است که پرچم، در برابر حملات دشمن همچنان سر پا در اهتزاز باشد؛ در حالی که سربازان دشمن دائماً می‌کوشند پرچم مخالفان را سرنگون سازند، چراکه برقراربودن پرچم مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنهاست.

(۲۹) (۱)

همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی - هرچند ظاهراً خاموش و ساکت باشد - خون گرم و پرحرارتی در عروق سربازان به حرکت درمی‌آورد و آنها را به تلاش بیشتر وامی‌دارد که فرمانده ما زنده است و پرچمان در اهتزاز! اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود یک لشکر عظیم با کارائی فوق‌العاده یک مرتبه متلاشی می‌گردد، گویی آب سردی بر سر همه ریخته‌اند، نه، بلکه روح از تشنان بیرون رفته!

رئیس یک جمعیت یا یک کشور مادام که زنده است، هرچند مثلاً در سفر یا فرضاً در بستر بیماری باشد، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنهاست؛ ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گردد و غبار یأس و نومیدی را بر همه می‌پاشد.

(۳۰) (۱)

جمعیت شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد، هرچند او را در میان خود نمی‌بیند، خود را

تنها نمی‌داند. (دقت کنید)

او همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را که قافله‌های دل همراه اوست می‌کشد، انتظاری سازنده و اثربخش، او هر روز احتمال ظهور او را می‌دهد.

اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ که شرحش در بحث «انتظار» گذشت، کاملاً قابل درک است.

اما اگر این رهبر اصلاً وجود خارجی نداشته باشد و علاقمندان مکتبش در انتظار تولد و پرورش او در آینده باشند وضع بسیار فرق می‌کند.

((۳۱))

و اگر یک نکته دیگر را به این موضوع بیفزاییم مسأله شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و آن اینکه:

طبق اعتقاد عمومی شیعه که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است، امام به طور مداوم، در دوران غیبت، مراقب حال پیروان خویش است؛ و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می‌گردد و به تعبیر روایات همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می‌رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می‌گردد. (۱)

۱- این روایات در تفسیر برهان، در ذیل آیه «قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (سوره توبه) آمده است؛ و ما در جلد هشتم تفسیر نمونه بحثی جالب پیرامون آن داریم.

((۳۲))

این فکر سبب می‌شود که همه معتقدان در یک حال مراقبت دائمی فرو روند و به هنگام ورود در هر کار توجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند؛ اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست.

۲- پاسداری آئین خدا

«علی» آن ابرمرد تاریخ بشر در یکی از سخنان کوتاه خود که در آن اشاره به لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان می‌کند می‌گوید:

((۳۳))

«اللَّهُمَّ بَلِي لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ (۱) آری هیچ‌گاه صفحه روی زمین، از قیام کننده باحجت و دلیل خالی نمی‌ماند؛ خواه ظاهر و آشکار باشد، یا مخفی و پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد و به فراموشی نگراید (و مسخ و تحریف نشود)».

اکنون به توضیح این سخن توجه کنید:

با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایش‌های مختلف به سوی برنامه‌های ظاهر فریب مکتب‌های انحرافی و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۴۷.

((۳۴))

می‌رود و دستخوش تغییرات زیان بخشی می‌گردد.

این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می‌دهد.

این نور پرفروغ با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌گردد. خلاصه، با آرایش‌ها و پیرایش‌های کوتاه‌بینانه افراد و افزون شاخ و برگ‌های تازه به آن، چنان می‌شود که گاهی بازشناسی مسائل اصلی دچار اشکال می‌گردد.

و به گفته آن شاعر - که البته همان گونه که روش و سنت شاعران است در

« (۳۵) »

شکل مبالغه آمیزی مطرح شد - خطاب به پیامبر کرده می‌گوید:

شرح تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند

بس که فرودند بر آن برگ و برگر تو بینی شناسی دگر

با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناپذیر تعالیم اسلامی را در شکل اصلی اش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند؟

آیا مجدداً وحی آسمانی بر کسی نازل می‌شود؟ مسلماً نه! باب وحی با مسأله خاتمیت برای همیشه بسته شد.

پس چگونه باید آئین اصیل حفظ گردد و جلو تحریفات و تغییرات و خرافات گرفته شود و این آئین برای نسل‌های آینده محفوظ بماند. آیا جز این است که باید

« (۳۶) »

این رشته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامه یابد، خواه آشکار و مشهور باشد یا پنهان و شناس (لَيْسَ أَتَبَطَّلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ).

می‌دانیم در هر مؤسسه مهمی «صندوق آسیب‌ناپذیری» وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می‌کنند، تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند؛ به علاوه، هرگاه مثلاً آتش‌سوزی در آنجا روی دهد از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه پیوند نزدیکی با حفظ آن اسناد و مدارک دارد.

سینه امام و روح بلندش صندوق آسیب‌ناپذیر حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگاهداری می‌کند «تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید». و این دیگر از آثار وجود او - گذشته از آثار دگر - است.

« (۳۷) »

۳- تربیت یک گروه انقلابی آگاه

برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست؛ بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی‌آید گروه کوچکی از آماده‌ترین افراد که سری پرشور از عشق خدا و دلی پرایمان و اخلاصی فوق‌العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند، با او در ارتباطند و از طریق این پیوند تدریجاً ساخته می‌شوند؛ و روح انقلابی بیشتری کسب می‌کنند؛ انقلابی سازنده و بارور برای ریشه کن ساختن هرگونه ظلم و بیدادگری در جهان!

ممکن است آنها خودشان پیش از این قیام از دنیا بروند ولی به هر حال آمادگی و تعلیمات انقلابی را به نسل‌های آینده‌شان و به دیگران منتقل می‌سازند و در پرورش گروه نهایی سهم و شریکند.

« (۳۸) »

سابقاً گفتیم معنی غیبت امام این نیست که او به شکل یک روح نامرئی و یا اشعه‌ای ناپیدا درمی‌آید، بلکه او از یک زندگی طبیعی

آرام برخوردار است؛ و به طور ناشناخته در میان همین انسان‌ها رفت و آمد دارد و دل‌های بسیار آماده را برمی‌گزیند؛ و در اختیار می‌گیرد و بیش از پیش آماده می‌کند و می‌سازد.

افراد مستعد به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدامی‌کنند؛ بعضی چند لحظه؛ و بعضی چند ساعت و چند روز؛ و بعضی سال‌ها با او در تماس نزدیک هستند!

به تعبیر روشن‌تر، آنها کسانی هستند که آن‌چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز بر فراز ابرها قرار می‌گیرند؛ آنجا که هیچ‌گاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جانبخش آفتاب (۳۹) (۱۱)

نیست؛ در حالی که دیگران در زیر ابرها در تاریکی و نور کمرنگ به سر می‌برند.

حساب صحیح نیز همین است؛ من نباید انتظار داشته باشم که آفتاب را به پایین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم؛ چنین انتظاری اشتباه بزرگ و خیال خام است؛ این منم که باید بالا-تر از ابرها پرواز کنم تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشم و سیراب گـردم.

به‌هر حال، تربیت این گروه یکی دیگر از فلسفه‌های وجود او در این دوران است.

۴- نفوذ روحانی و ناآگاه

می‌دانیم خورشید یک سلسله اشعه نامرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف، پیدا می‌شود؛ و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام «اشعه فوق بنفش»

(۴۰) (۱۱)

و «اشعه مادون قرمز» نامیده شده است.

همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‌گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی‌کند بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار می‌کند.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصر با آنها به کلی تغییر مسیر می‌دادند و سرنوشتشان یک‌باره دگرگون می‌شد و به قول معروف با ۱۸۰ درجه انحراف راه کاملاً تازه‌ای را انتخاب می‌کردند؛ یک‌مرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب

(۴۱) (۱۱)

درمی‌آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند!

این دگرگونی‌های تند و سریع و همه‌جانبه، این انقلاب‌های جهش‌آسا و فراگیر، آن هم با یک نگاه یا یک تماس مختصر (البته برای آنها که در عین آلودگی یک نوع آمادگی نیز دارند) نمی‌تواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جذب ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیت» نیز می‌شود.

بسیار از کسان این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده‌اند که به هنگام برخورد با افرادی که روح‌های بزرگ و عالی دارند چنان بی‌اختیار و ناخودآگاه تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می‌شود؛ و خود را در میان هاله‌ای مرموز و غیرقابل توصیف از عظمت و بزرگی می‌بینند.

البته ممکن است گاهی این گونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد؛ ولی

(۴۲) (۱)

مسلماً این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم که این آثار نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسان‌های بزرگ برمی‌خیزد.

سرگذشت‌های فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می‌بینیم که جز از این راه نمی‌توان آنها را تفسیر کرد؛ داستان آمدن جوان آلوده‌ای نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و انقلاب ناگهانی روحی او.

با برخورد اسعدبن زراره بت پرست به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او. و یا آنچه دشمنان سرسخت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نام آن را سحر می‌گزاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او بازمی‌داشتند، همه حاکی از نفوذ شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

(۴۳) (۱)

در افراد مختلف از این طریق است.

همچنین آنچه درباره تأثیر پیام امام حسین علیه‌السلام روی فکر «زهیر» در مسیر کربلا نقل شده تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه‌ای که در دست داشت به دهان بگذارد و آن را به زمین نهاد و حرکت کرد.

و یا کشش عجیب و فوق‌العاده که «حزین یزید ریاحی» در خود احساس می‌کرد و با تمام شجاعتش همچون بید می‌لرزید؛ و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشانید و به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد.

و یا داستان جوانی که در همسایگی «ابوبصیر» زندگی داشت و با ثروت سرشار خود که از خودش خدمتی به دستگاه بنی‌امیه فراهم ساخته بود به عیش و نوش و بی‌بند و باری پرداخته بود و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه‌السلام به کلی دگرگون شد

(۴۴) (۱)

و همه کارهای خود را درهم پیچید و تمام اموالی را که از طریق نامشروع گرد آورده بود به صاحبانش داد، یا در راه خدا انفاق کرد.

و یا سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه‌گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم علیه‌السلام به زندان اعزام داشته بود؛ و منقلب شدن روحیه‌اش در یک‌مدت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرزسخن و منطق او هارون را به حیرت و وحشت افکند....

همه و همه نشانه و نمونه‌هایی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آن را به شعبه‌ای از «ولایت تکوینی» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام دانست، چراکه عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله‌ها و راه‌های معمولی و عادی نیست، بلکه جذب معنوی و نفوذ روحانی عامل اصلی محسوب می‌شود.

این برنامه - همان گونه که گفتیم - منحصر به پیامبران و امامان نیست؛ بلکه رجال

(۴۵) (۱)

راستین و شخصیت‌های بزرگ نیز به تناسب میزان شخصیت خود هاله‌ای از این نفوذ ناخودآگاه اطراف خود ترسیم می‌کنند، منتها قلمرو گروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گسترش قابل مقایسه نیست.

وجود امام علیه‌السلام در پشت ابرهای غیبت نیز این اثر را دارد که از طریق اشعه نیرومند و پردامنه نفوذ شخصیت خود، دل‌های آماده‌رادر نزدیک و دور تحت تأثیر جذب مخصوص قرار داده به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد.

ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم، ولی اثر آنها روی عقربه‌های قطب‌نما، در دریاها راهنمای کشتی‌هاست؛ و

در صحراها و آسمان‌ها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است. در سرتاسر کره زمین از برکت این امواج مغناطیسی، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده، یا وسائل نقلیه

(۴۶) (۱)

بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه‌ها ظاهر و کوچک از سرگردانی رهایی می‌یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود امام علیه‌السلام در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد؟

ولی نمی‌توان و نباید فراموش کرد که همان‌گونه که امواج مغناطیس زمین روی هر آهن پاره بی‌ارزشی اثر نمی‌گذارد بلکه روی عقربه‌های ظریف و حساسی که آب مغناطیس خورده‌اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند اثر می‌گذارند، همین‌طور دل‌هایی که راهی با امام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده‌اند تحت تأثیر آن جاذبه غیرقابل توصیف روحانی قرار می‌گیرند.

با در نظر گرفتن آنچه در بالا گفتیم، یکی دیگر از آثار و فلسفه‌های وجودی امام علیه‌السلام

(۴۷) (۱)

در چنین دورانی آشکار می‌گردد.

۵- ترسیم هدف آفرینش

هیچ عاقلی بی‌هدف گام بر نمی‌دارد و هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد در مسیر هدفی قرار خواهد داشت. با این تفاوت که هدف در کار انسان‌ها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا هدف متوجه دیگران و رفع نیازهای آنهاست؛ چراکه ذات او از هر نظر بی‌پایان است و عاری از هر گونه کمبود و با این حال انجام دادن کاری به نفع خود، درباره او مفهوم ندارد.

حالا به این مثال توجه کنید:

(۴۸) (۱)

در زمینی مستعد و آماده، باغی پرگل و میوه‌آلود می‌کنیم؛ در لابه‌لای درختان و بوته‌های گل، علف هرزه‌هایی می‌رویند؛ هروقت به آبیاری آن درختان برومند می‌پردازیم علف هرزه‌ها نیز از پرتو آنها سیراب می‌شوند.

در اینجا ما دو هدف پیدا می‌کنیم:

هدف اصلی که آب دادن درختان میوه و بوته‌های گل است.

و هدف تبعی که آبیاری علف هرزه‌های بی‌مصرف می‌باشد.

بدون شک هدف تبعی نمی‌تواند انگیزه عمل گردد و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند؛ مهم همان هدف اصلی است که جنبه منطقی دارد!

حال اگر فرض کنیم بیشتر درختان باغ خشک شوند و جز یک درخت باقی نماند، اما درختی که به تنهایی گل‌ها و میوه‌هایی را که از هزاران درخت انتظار داریم به ما

(۴۹) (۱)

می‌دهد بدون تردید برای آبیاری همان یک درخت هم که باشد برنامه آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد؛ گو اینکه علف هرزه‌های زیادی نیز از آن بهره‌گیرند و اگر یک روز آن درخت نیز بخشکد آنجاست که دست از آبیاری باغ می‌کشیم هرچند

علف هرزه‌ها بمیرند .

جهان آفرینش بمانند همان باغ پرطراوت است و انسان‌ها درختان و بوته‌های این باغند .

آنها که در مسیر تکاملند درختان و شاخه‌های پربرند .

و آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده‌اند علف هرزه‌های این باغند .

مسلماً این آفتاب درخشان ، این مولکول‌های حیاتبخش هوا ، این همه برکات زمین و آسمان ، برای آن آفریده نشده است که

مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی

﴿ ۵۰ ﴾

برای اجتماع آنها نباشد ؛ نه ! هرگز هدف آفرینش نمی‌تواند این‌ها باشد !

این جهان و تمام مواهب آن - از دیدگاه یک فرد خداپرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست - برای صالحان و

پاکان آفریده شده است ؛ همان‌گونه که سرانجام نیز به طور کامل از دست غاصبان درخواهد آمد و در اختیار آنان قرار

خواهد گرفت (اِنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) .

باغبان آفرینش (جهان پهناور هستی) به خاطر همین گروه فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می‌دهد ؛ هرچند علف هرزه‌ها نیز به

عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره‌مند شوند ؛ ولی بی‌شک هدف اصلی آنها نیستند .

و اگر فرضاً روزی فرا رسد که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند ، آن روز دلیلی بر ادامه جریان این

مواهب وجود نخواهد داشت .

﴿ ۵۱ ﴾

آن روز آرامش زمین به هم می‌خورد و آسمان برکات خود را قطع می‌نماید و زمین از دادن بهره به انسان‌ها

مضایقه خواهد کرد !

پیامبر یا امام ، سمبل گروه صالحان و نمونه بارز انسان کامل است ؛ یعنی ، همان گروهی که هدف اصلی آفرینش را تشکیل

می‌دهند و به همین دلیل وجود او به تنهایی یا در رأس گروه صالحان ، توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت و

ریزش باران فیض و رحمت خدا است ؛ اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی و ناشناس بماند .

درست است که افراد صالح دیگر نیز هرکدام هدفی هستند برای آفرینش و یا به تعبیر دیگر ، بخشی از آن هدف بزرگ ، ولی

نمونه کامل این هدف همین انسان‌های نمونه و مردان آسمانی می‌باشند ، هرچند سهم دگران نیز محفوظ است .

﴿ ۵۲ ﴾

و از اینجا روشن می‌شود، آنچه در پاره‌ای از عبارات به این مضمون وارد شده که:

« بِيِّنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَثْبُتُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ ؛ از برکت وجود او (یعنی حجت و نماینده الهی) مردم روزی می‌برند و به خاطر

هستی او آسمان و زمین برپاست! » یک موضوع «اغراق آمیز» و «دور از منطقی» و یا «شُرک آلود» نمی‌باشد ؛ همچنین ، عبارتی که به

عنوان یک حدیث قدسی خطاب به پیامبر از طرف خداوند در کتب مشهور نقل شده : « لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ ؛ اگر تو نبودی

آسمان‌ها را نمی‌آفریدیم » بیان یک واقعیت است نه مبالغه گوئی ، منتها او شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هرکدام

بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می‌دهند .

از مجموع آنچه در این فصل تحت پنج عنوان گفته شد ، چنین نتیجه می‌گیریم :

آنها که دور نشسته‌اند و وجود امام را در عصر غیبت یک وجود شخصی و بدون

﴿ ۵۳ ﴾

بازده اجتماعی دانسته‌اند و به عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده‌اند که وجود چنین امامی چه نفعی در مقام رهبری و امامت خلق می‌تواند داشته باشد، آن‌چنان که آنها گفته‌اند نیست و آثار وجودی او در این حال نیز فراوان است.

چگونگی قیام حضرت مهدی علیه‌السلام

می‌دانیم شرط مهم پیروزی بر دشمن برتری نیروهاست؛ این نیروها تنها شامل نیروهای نظامی نمی‌شود؛ بلکه برتری از نظر قدرت روحی و ایمان به هدف و استحکام پایه‌های اقتصادی و اجتماعی، همه در این برتری شکل می‌گیرند شکل می‌گیرند و نقش اساسی دارند. و اگر جامعه‌ای شکست خورده و در زنجیر اسارت باقیمانده، دلیلی جز غفلت از

(۵۴) (۱)

تلاش و کوشش در زمینه فراهم ساختن این عوامل پیروزی و یا اشتباه در محاسبه نیروها ندارد. با در نظر گرفتن اصل اساسی بالا، پرسش‌هایی پیرامون قیام مصلح بزرگ جهانی پیش می‌آید:

۱- برای تحقق یافتن عدالت جهانی و پیروزی ارتش طرفداران حق و عدالت بر یغماگران و زورگویان و خودکامگان و جباران، آیا رهبر این نهضت بزرگ از سلاح‌های سنتی اعصار پیشین استفاده می‌کند (از اسلحه سرد)، در این صورت چگونه می‌تواند این روش پیکار را به دیگران بقبولانند و چنین سلاحی در برابر سلاح‌های پیشرفته و وحشتناک عصر ما که به حکم یک بازیچه کوچک است، چگونه می‌تواند ضامن پیروزی گردد؟

(۵۵) (۱)

یا باسلاحی مدرن‌تر از آنچه امروز در اختیار پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی است دست به مبارزه می‌زند؟ این سلاح چگونه و به چه وسیله در اختیار او و طرفدارانش قرار خواهد گرفت؟

۲- از این گذشته، در روایات اسلامی می‌خوانیم:

«او با شمشیر قیام می‌کند» و این تعبیر نشان می‌دهد که احتمال اول یعنی بهره‌گیری از سلاح‌های سنتی به حقیقت نزدیک‌تر است و با این حال اشکال گذشته باز می‌گردد که:

چگونه می‌توان سلاح‌های مدرن را به کلی از کار انداخت و به عصر سلاح سرد بازگشت؟ آیا دنیای امروز در یک جنگ اتمی - آن‌چنان که بعضی از دانشمندان پیش‌بینی

(۵۶) (۱)

کرده‌اند - احتمالاً طوری در هم کوبیده می‌شود که چاره‌ای جز بازگشت به گذشته ندارد و سپس او قیام خواهد کرد؟

آیا این احتمال قابل قبول است؟

۳- باز سؤال دیگری پیش می‌آید که اصولاً - و به طور کلی، در عصر برتری نور بر ظلمت و عدالت بر بیدادگری، آیا ماشینیزم مدرن با این همه وسائل رفاه و آسایشی که برای بشریت فراهم ساخته از میان می‌رود و انسان‌ها به چندین قرن پیش بازگشت می‌کنند؟

این ارتجاع و عقب‌گرد باورکردنی است؟

و یا به عکس، نه تنها می‌ماند، بلکه با سرعت تکامل می‌یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرناک ناشی از آن خواهد بود؟ و به تعبیر دیگر، ماشینیزم هم «تکامل» می‌یابد و هم «تصفیه» می‌شود!

(۵۷) (۱)

برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها هم از منابع حدیث می‌توان کمک گرفت و هم از دلایل عقلی چراکه به هر دو ارتباط و پیوند دارد .
عقل می‌گوید :

بازگشت به عقب نه ممکن است و نه منطقی و این برخلاف سنت آفرینش و اصل تکامل در زندگی انسان‌ها است ؛ بنابراین ، هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ، ترقی و پیشرفت جامعه متوقف گردد و یا عقب‌نشینی کند ، عقب‌گرد و گذشته‌گرایی با چنان پیشرفت و جهشی متناسب نیست .
بنابراین ، قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ‌گاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش برچیده یا متوقف شود .
(۵۸) (۱)

صنایع کنونی نه تنها بسیاری از گره‌ها را از زندگی انسان‌ها گشوده‌اند ، بلکه یکی از پایه‌های استقرار حکومت واحد جهانی ، نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست .
ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاما باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد و سرانجام در مسیر منافع انسان‌ها و صلح و عدالت بسیج شود ؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتما خواهد کرد .

این در مورد اصل پیشرفت صنعت و تکنولوژی .
اما در مورد سلاح‌ها باید گفت :
(۵۹) (۱)

برای استقرار چنان حکومتی باید حکومت‌های خودکامه و بیدادگر از صحنه جهان خارج شوند ؛ و برای خارج کردن آنها ، لاقط در شرایط کنونی یک «سلاح برتر» لازم است ؛ سلاحی که شاید حتی تصورش امروز برای ما ممکن نیست .
آیا این سلاح چیزی همانند یک «اشعه مجهول و مرموز» است که کاربردش ماورای همه سلاح‌های کنونی است و می‌تواند همه آنها را خنثی کند و نقشه استفاده ابرقدرت‌ها را از آن عقیم بگذارد ؟
یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه‌های فکری آنها حتی از راه‌های دور است که نتوانند هیچ‌گونه فکری برای استفاده از سلاح‌های مخرب کنونی بکنند ؟
و یا چیزی از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق‌العاده که مانع هرگونه
(۶۰) (۱)

تصمیم‌گیری در این زمینه شود ؟

و یا چیز دیگر ...

نمی‌دانیم و نمی‌توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم ؛ همین اندازه اجمالاً می‌توانیم بگوئیم یک سلاح برتر خواهد بود .

و نیز می‌دانیم آن سلاح ، سلاحی نیست که گناهکار و بیگناه را با هم نابود کند و پایه‌های عدالت آینده ، بر ظلم و ستم امروز بگذارد .

این از نظر تجزیه و تحلیل عقلی .

و اما از نظر منابع حدیث

(۶۱) (۱)

در منابع حدیث تعبيرات جالبی دیده می‌شود که به طور ضمنی پاسخ رسا و روشنی برای سؤالات فوق دربردارد؛ از جمله:

۱- از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ؛ (۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند!».

از این تعبیر چنین برمی‌آید که مسأله نور و انرژی آن‌چنان حل می‌شود که در روز و شب از پرقدرت‌ترین نورها که می‌تواند جانشین نور آفتاب گردد، بهره‌گیری می‌کنند.

۱- بحار الانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم، صفحه ۱۷۶.

(۶۲) (۱)

آیا باز باید به این موضوع شکل اعجاز دهیم در حالی که برنامه زندگی روزمره - آن هم به طور مستمر - باید بر سنن طبیعی دور بزند، نه بر اعجاز؛ که اعجاز یک امر استثنایی و برای موارد ضروری و فوق‌العاده است آن هم در مسیر اثبات حقایق دعوت نبوت یا امامت.

و به هر حال، در عصر هیچ پیامبری زندگی عادی مردم بر اساس اعجاز جریان نداشته است؛ بنابراین، تکامل علوم و صنایع به حدی خواهد رسید که مردم با رهبری آن رهبر بزرگ قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق‌العاده‌ای که حتی می‌تواند جانشین نور خورشید گردد، می‌شوند.

و آیا در چنین اوضاع و شرایطی سلاح مردم برای تأمین صلح و آزادی و عدالت می‌تواند از نوع سلاح‌های قرون پیشین باشد و اصولاً تناسبی در میان این دو وجود دارد؟

(۶۳) (۱)

۲- در حدیث دیگری از ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل شده:

«إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحِيَةِ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحِيَةِ شَعْرَةٍ لَمْ يَبْصُرْهَا (۱)؛ هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت (مهدی علیه‌السلام) برسد خداوند هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد آن‌چنان که تمام دنیایزادو به منزله کف دستش خواهد بود! کدامیک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی‌بیند!».

امروز با نصب وسائل فرستنده بر فراز کوه‌ها، کمک به انتقال تصویرها به نقاط مختلفی از جهان می‌کنند و حتی از ماهواره‌ها نیز استفاده کرده مناطق وسیع‌تری را

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۸.

(۶۴) (۱)

زیر پوشش انتقال تصویر قرار می‌دهند؛ تا همه کسانی که دستگاه‌های گیرنده در اختیار دارند بتوانند از آن استفاده کنند.

ولی عکس این موضوع لاقبل در حال حاضر عملی نیست؛ یعنی، تصویرها را از یک نقطه به نقاط مختلف جهان می‌توان منتقل ساخت ولی از همه نقاط نمی‌توان به یک نقطه انتقال داد مگر اینکه در هر شهر بلکه در هر خانه و در هر بیابان و کوه و صحرا و در

هر گوشه‌ای از دنیا دستگاه‌های مجهز فرستنده نصب گردد، تا بتوان از همه جهان آگاه شد و چنین چیزی با وسایل کنونی غیرممکن است.

امّا از حدیث فوق چنین برمی‌آید که در عصر قیام مهدی علیه‌السلام یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصوّر آن هم امروز برای ما مشکل باشد، آن‌چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و

« (۶۵) »

نه گودی زمین‌ها؛ مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد! بدیهی است بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی بر تمام کره زمین، حکومت واحد جهانی و صلح و امتیت و عدالت، به گونه همه‌جانبه و سریع و جدی، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ و خداوند این وسیله را در اختیار او و تشکیلات حکومتش قرار می‌دهد. باز تکرار و تأکید می‌کنم که این گونه امور که با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد بسیار بعید است که بر پایه اعجاز صورت گیرد بلکه باید از طرق اسباب عادی و طبعاً بر اساس پیشرفت علم و صنعت باشد. این نیز روشن است که این واحد اطلاعاتی پیشرفته، نمی‌تواند در یک جامعه ظاهراً عقب‌افتاده بود بلکه به موازات آن باید سایر بخش‌های زندگی نیز به همان نسبت پیشرفته باشد، در همه زمینه‌ها و در همه شؤون و حتی نوع سلاح‌ها.

« (۶۶) »

۳- از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

« ذَخِرْ لِصَاحِبِكُمُ الصَّعْبُ !

قُلْتُ : وَ مَا الصَّعْبُ ؟

قَالَ : مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ ، أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقِي فِي الْأَسْبَابِ ؛ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ ! (۱) برای صاحب و دوست شما (مهدی علیه‌السلام) آن وسیله سرکش ذخیره شده است.

راوی این حدیث می‌گوید: گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟

۱- بحارالانوار، جلد ۱۲، صفحه ۱۸۲.

« (۶۷) »

امام علیه‌السلام فرمود:

ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است؛ او بر این وسیله سوار می‌شود؛ آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و صعود به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه می‌کند.

مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند؛ بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع‌السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد؛ و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد؛ و همچنان به

« (۶۸) »

پیش می‌رود و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند.

و به ترتیب، یک وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن‌را در وسایل کنونی نداریم؛ تنها در میان بشقابهای پرنده و وسایل سریع و سرسام آور فضایی که امروز داستانهایی از آنها بر سر زبانهاست و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و علمی دارد، شاید شباهت داشته

باشد؛ ولی به هر صورت بشقاب پرنده هم نیست. به هر حال از حدیث بالا- بطور اجمال می‌توان دریافت که موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه بعکس سخن از پیشرفت خارق العاده‌ای در میان است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد.

۴- حدیث عجیب دیگری که از جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل شده چنین می‌گوید: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ؛ حَتَّى أَنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا» (۶۹)»

يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّى أَنْ أَحَدِكُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ به این جهت او مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می‌گردد؛ تا آنجا که گاه به سراغ کسی می‌فرستد که مردم او را بی‌گناه می‌دانند و او را به قتل می‌رساند (زیرا از گناه نهایی او همانند قتل نفس که موجب قصاص می‌شود آگاه است!) و تا آنجا که بعضی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد (و از خلافت‌کاریها و توطئه آنان، حکومت مهدی را با خبر سازد!) این حدیث نیز گواه بر آن است که در دوران حکومت او در حالی که نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سر می‌برند، خلافتکاران چنان تحت کنترل هستند که ممکن است با وسایل پیشرفته‌ای امواج صوتی آنها از دیوار خانه‌هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم می‌توان فهمید که آنها در درون (۷۰)»

خانه چه گفته‌اند! این سخن شاید در یکصد سال پیش جز به عنوان یک معجزه قابل تصور نبود، اما امروز که می‌بینیم در بسیاری از کشورها چگونگی حرکت اتومبیلها را در جاده‌ها با دستگاه رادار از راه دور و بدون حضور پلیس کنترل می‌کنند؛ و یا می‌شنویم دانشمندان توانسته‌اند از امواجی که بر بدنه کوزه‌هایی که در پاره‌ای از کوزه‌های مصر وجود دارد صدای کوزه گران دو هزار سال پیش را زنده کنند و یا می‌شنویم که دستگاه‌هایی وجود دارند که از طریق امواج حرارتی (امواج مادون قرمز) که از یک دزد یا یک قاتل در محلی باقیمانده و خودش تازه از آنجا گریخته عکسبرداری کنند و او را از روی آن بشناسند؛ زیاد شگفت‌آور نیست. از مجموع آنچه در بالا آوردیم پاسخ‌سؤالات گذشته روشن می‌گردد که در عصر انقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام نه فقط مسئله عقب گرد صنعتی وجود ندارد بلکه صنایع و تکنولوژی (۷۱)»

به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد ولی تنها در مسیر منافع انسانها و تحقق بخشیدن به آرمان حق‌طلبان و آزادی‌خواهان و تشنگان حق و عدالت.

مفهوم شمشیر

تنها این سؤال باقی می‌ماند که پس از این همه تعبیرات مربوط به «قیام به شمشیر» در مورد مهدی علیه‌السلام چه مفهومی دارد؟ حتی در دعا‌هایی که درس آمادگی برای شرکت در این جهاد آزادی بخش بزرگ می‌دهد انتظار آن روز را می‌کشیم که با شمشیر کشیده «شاهرا سیفهُ» در صفوف این مجاهدین قرار گیریم.

امریا حقیقت این است که «شمشیر» همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست همانگونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. شک نیست که حتی در (۷۲)»

میدان جنگ‌های سنتی پیشین سلاحهای مختلفی جز شمشیر به کار می‌رفته، همچون تیرونیزه و خنجر، ولی همواره می‌گویند

اگر در برابر فلان موضوع سر تسلیم فرود نیارید « حواله شما با شمشیر است » یا گفته می‌شد « به زور شمشیر حق خود را می‌گیریم ». یا از قدیم معروف بوده « کشور با دو چیز اداره می‌شود، قلم و شمشیر » و همه اینها جنبه سمبولیک دارد و مفهوم آن تکیه بر قدرت و استفاده از نیروی نظامی است. ضرب المثل‌های زیادی امروز در این زمینه در دست است؛ می‌گویند: « فلان کس شمشیر را از روی بسته! یعنی، آشکارا قدرت نمائی می‌کند. » « شمشیر میان ما و شما حکومت خواهد کرد! » اشاره به این که جز از راه جنگ مسأله حل نمی‌شود. « شمشیرها را غلاف نمی‌کنیم تا به هدفمان برسیم! » کنایه از اینکه مبارزه را تا آخر ادامه خواهیم داد. (۷۳) «

« فلان کس شمشیرش را غلاف کرده! » یعنی، از دو سو مبارزه می‌کند. « در تمام این تعبیرات شمشیر کنایه از قدرت و مبارزه است؛ در روایات اسلامی نیز می‌خوانیم: *الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ الشُّيُوفِ*؛ بهشت در سایه شمشیرهاست. *الْشُّيُوفُ مَقَالِدُ الْجَنَّةِ*؛ شمشیرها کلیدهای بهشتند! همه اینها اشاره از جهاد و جانبازی و استفاده از قدرت است؛ و این تعبیرات سمبولیک از « شمشیر » یا « قلم » در زبانهای مختلف فراوان است. از اینجا روشن می‌شود که منظور از قیام مهدی علیه‌السلام به سیف، همان اتکای بر قدرت است؛ برای اینکه چنین گمان نشود که این مصلح بزرگ آسمانی به شکل یک معلم، یا یک واعظ، و یا راهنمای مسائل اجتماعی ظاهر می‌شود و رسالت او تنها اندرز دادن مردم است. (۷۴) «

بلکه او یک رهبر دورنگر و دور اندیشی است که نخست حربه منطبق بهره‌گیری می‌کند، و آنجا که گفتار حق سودی نبخشد که در مورد بسیاری از زور گویان و جباران سودی هم نخواهد داد، دست به شمشیر می‌کند؛ یعنی، متوسل به قدرت می‌شود و ستمکاران را بر سر جای خودشان می‌نشانند؛ یا در صورت لزوم، وجود کثیفشان را از سر راه برمی‌دارد؛ و شک نیست که برای اصلاح گروهی از مردم جز این راهی نیست که گفته‌اند:

« *النَّاسُ لَا يُقِيمُهُمُ إِلَّا السَّيْفُ*؛ کار مردم جز با شمشیر راست نشود! »

و به تعبیر دیگر، او تنها وظیفه‌اش روشنگری و ارائه راه نیست بلکه وظیفه مهمترش - علاوه بر این - اجرای قوانین الهی و به ثمر رساندن انقلاب تکاملی اسلام و رساندن به مقصد و ایصال به مطلوب است. (۷۵) «

گر چه از گفتار بالا- این نکته نیز روشن شد، ولی تصریح به آن لازم به نظر می‌رسد که بر خلاف پندار بعضی کوته فکران که چنین می‌پندارند او به هنگام قیامش بی‌مقدمه دست به سلاح می‌برد و طبق آن افسانه دروغین « آنقدر خون می‌ریزد که خون به رکابش می‌رسد! » نخست از طریق رهبری فکری و روشنگری در همه زمینه‌ها، می‌پردازد. به تعبیر رسای مذهبی « اتمام حجت » می‌کند آنچنان که هر کس کمترین آمادگی برای پذیرا شدن منطقی آئین حق داشته باشد روشن شود و تنها کسانی باقی بمانند که جز از طریق توسل به زور و خشونت اصلاح‌پذیر نیستند. از قرائن روشن بر این موضوع - گذشته از این که دلیلش با خود آن است - اینکه می‌دانیم روش او روش پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ او سیزده سال تمام در مکه به دعوت (۷۶) «

پنهان و آشکار مشغول بود و آنها که پذیرای حق بودند گرد او را گرفتند؛ ولی گردنکشان یاغی و زورمند که اکثریت توده نادان را به دنبال خود می‌کشاندند در برابرش پیاختند و او بناچار به مدینه آمد و با تشکیل حکومت اسلامی و فراهم ساختن قدرت، در برابر آنها ایستاد و راه خود به سوی یک دعوت عمومی گشود. گرچه در زمینه دعوت اسلام نیز سمپاشی زیاد شده که آئین

شمشیر است ولی بهترین سندی که امروز در برابر آنها در دست است و خوشبختانه نتوانسته‌اند آن را بیوشانند یا از میان ببرند همین قرآن است. اگر چهره اسلام یک چهره توّسل به خشونت و زور بود در قرآن برای اثبات حقایق اینهمه استدلال نمی‌باشد؛ اینهمه در موضوع خدانشناسی و معاد دو اصل اساسی تکیه روی دلایل گوناگون نمی‌شد؛ اینهمه متفکران و صاحبان عقل و اندیشه را به داوری نمی‌طلبید؛ اینهمه سخن از علم و

﴿۷۷﴾

دانش نمی‌گفت؛ یک رژیم خشن نظامی استدلال نمی‌فهمد. حتی به هنگام توّسل به زور نیز موضوع خود را با دلایل منطقی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر مشخص می‌سازد. به هر حال او در این روش همانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل می‌کند، به اضافه این در عصر او سطح افکار عمومی بالاتر آمده و توّسل به منطوق ضرورت بیشتری دارد همان گونه که در برابر خشونت روز افزون گردنکشان زورگو، خشونت لازم است.

مسئله انقلاب او در پاره‌ای از قسمت‌ها یک انقلاب خونین خواهد بود، و خونهای کثیف کالبد جامعه بشری با تیغ او بیرون خواهد ریخت و در هیچ جامعه فاسدی جز از این راه اصلاحات بنیادی مایه نخواهد گرفت؛ ولی مفهوم این سخن آن نیست که او بی حساب خون می‌ریزد و بی دلیل می‌کشد؛ درست همانند طبیعی است که در خون گرفتن از کالبد بیمار نهایت دقت را به عمل می‌آورد!

﴿۷۸﴾

سه دوران

سه دوران مشخص در مورد انقلابی بزرگ تاریخ بشر، مهدی علیه‌السلام وجود دارد:

۱- دوران آمادگی و انتظار و نشانه‌های ظهور

۲- دوران تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد

۳- دوران حکومت حق و عدالت

درباره دوران اول و دوم تاکنون سخن بسیار گفته‌ایم؛ و اکنون نوبت بحث پیرامون دوران سوم است که نتیجه این انقلاب وسیع و همه‌جانبه است و علی‌رغم اهمیتی که این موضوع دارد کمتر روی آن بحث شده است. به هر حال تصوّر این‌کس:

﴿۷۹﴾

جهانی به وجود آید خالی از تبعیض‌ها و اختلاف‌های طبقاتی و صف‌بندی‌های مفسده‌آفرین؛

خالی از جدائی‌ها و پراکندگی‌ها؛

خالی از جنگ و خونریزی و تجاوز؛

و خالی از خنده‌های مستانه‌استعمارگران و ناله‌های محرومان به‌زنجیر کشیده‌شده؛

راستی چه دل‌انگیز و آرام‌بخش و نشاط‌آفرین است!

ولی مسلماً همانقدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق‌العاده مشکل و طاقت فرساست، ولی به هر صورت بشریت ناگزیر است چنین راهی را ببیند و به آن واقعیت عینی دهد که در غیر این صورت راهی جز تباهی و نابودی ندارد. خطوط اصلی نظامات چنین جامعه‌ای در روایات اسلامی با اشاراتی

﴿۸۰﴾

مردمی بلندنظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همّتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را در روح خود حلّ می‌کنند و

(۸۴) ﴿﴾

جهانی از صلح و صفا می‌سازند.

و امروز نیز هر گونه اصلاح اجتماعی، در هر مقیاسی، بستگی به این دگرگونی فکری و انقلاب روحی دارد.

پیشرفت خارق العاده صنایع در آن عصر

احادیث جالب و گویایی که تحت شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در بحث گذشته تحت عنوان «راه پیروزی...» آوردیم نشان می‌دهد که این جهش علمی، صنایع و تکنولوژی را نیز در مقیاس وسیعی شامل می‌گردد. وسایل اطلاعاتی آنقدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست آشکار می‌سازد؛ و به حکومت مرکزی تسلط کامل بر اوضاع جهان می‌بخشد تا به موقع و بدون فوت وقت برای حلّ

(۸۵) ﴿﴾

مشکلات جهانی بکوشد؛ و هر گونه فساد را (عمدی و غیر عمد) در نطفه خفه سازد.

مسأله انرژی و نور آنچنان حل می‌شود که حتی نیاز به انرژی خورشیدی که بازگشت همه انرژی‌ها (جز انرژی اتمی) به آن است، نیست.

و این شاید در پرتو یک سیستم تکامل یافته انرژی اتمی - با تصفیه کامل از تشعشعات زیانبار کنونی که در حال حاضر بزرگترین مشکل استفاده از این انرژی را تشکیل می‌دهد - خواهد بود.

وسایل سریع السیر که با وسایل کنونی قابل مقایسه نیست، نه فقط برای دورزدن کره زمین در یک زمان کوتاه بلکه برای مسافرت‌های دور دست فضایی در اختیار آن حکومت قرار می‌گیرد.

و این نیز کمک به اهداف اصلاحی این حکومت می‌کند.

(۸۶) ﴿﴾

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ بِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هَنَاقِي مَا قِيَامُ كُنْدُ خَدَاوَنْدِ أَنْجَنَانِ كُوشِ وَعَيْنِ شِيعِيَانِ مَا رَا تَقْوِيَتِ مِي كُنْدُ كِي مِيَانِ أَنْهَا وَقَائِمِ (رهبر و پیشوایشان) نامه رسان نخواهد بود؛ با آنها سخن می‌گویند و سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که در مکان خویش است (و آنها در نقاط دیگر جهان!)».

یعنی وسائل انتقال «صدا» و «تصویر» بطور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می‌گیرد آنچنان که چیزی به نام اداره پست در عصر حکومت او شیئی زائد محسوب می‌گردد! و مسائل جاری این حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی

(۸۷) ﴿﴾

- آنچنان که راه و رسم دنیای امروز است و شاید نیمی از وقت و نیروی انسانی را تلف کرده و گردش همه کارها را کند می‌سازد و رسیدن حق را به حق داران به تأخیر می‌اندازد - حلّ و فصل می‌شود. همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می‌گردد. و چه عالی است چنین طرحی برای اداره جامعه‌های انسانی و حذف برنامه‌های زائد و دست و پا گیر و وقت تلف کن!

حدیث گویای دیگری که در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده این موضوع را به نحو بارزی تکمیل می‌کند؛ آنجا که

و تَبَدَّى بَرَكَاتِهَا

و لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ لِيُشْمُولَ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ...؛

هنگامی که قائم قیام کند: حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد.

و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود. و جاده‌ها در پرتو وجودش

﴿۹۲﴾

امن و امان می‌گردد.

زمین برکاتش را خارج می‌سازد.

و هر حقی به صاحبش می‌رسد.

در میان مردم همانند داود علیه‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله داوری می‌کند.

در این هنگام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد.

و برکات خود را ظاهر می‌کند.

و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد...!

تکیه روی ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها نشان می‌دهد که هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد

؛ و هم تمام منابع زیرزمینی

﴿۹۳﴾

کشف و مورد استفاده قرار می‌گیرد و درآمد سرانه افراد آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای فقیری پیدا نمی‌شود و همه به

سر حد بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند.

و بی‌شک اجرای اصول عدل و داد و جذب نیروهای انسانی به مسیرهای سازنده، چنین اثری را خواهد داشت؛ زیرا همان‌گونه که

گرسنگی و فقر و نیازمندی بر اثر کمبودها نیست بلکه نتیجه مستقیم و غیرمستقیم مظلوم و تبعیض‌ها و بیدادگری‌ها و تلف

شدن نیروها و هدر دادن سرمایه‌هاست!

در حدیث دیگری که در منابع اهل تسنن آمده است، از ابوسعید خدری چنین نقل شده:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قَسِيطًا كَمَا مِلَّتْ جُورًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا، فَقَالَ رَجُلٌ

مَا مَعْنَى

﴿۹۴﴾

صِحَاحًا، قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَيَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غِنًى؛ وَيَسِيحُهُمْ عَيْدُهُ، حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ

لَهُ بِالْمَالِ حَاجَةٌ فَلْيَقُمْ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ (ثُمَّ يَأْمُرُهُ بِالْمَالِ فَيَأْخُذُ ثُمَّ يَنْدِمُ وَيُرْدُّهُ)» (۱)؛

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«شما را به ظهور مهدی علیه‌السلام بشارت می‌دهم؛ زمین را پر از عدالت می‌کند همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است؛

ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می‌کند.

کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

۱- نُورُ الْأَبْصَارِ فِي مَنَاقِبِ آلِ بَيْتِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ، صَفْحَةُ ۱۵۶ و ۱۵۷، چاپ مصر.

﴿۹۵﴾

فرمود: به‌طور مساوی در میان مردم!

(سپس فرمود:)

و دل‌های پیروان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد؛ تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند هر کس نیاز مالی دارد برخیزد، هیچ کس - جز یک نفر بر نمی‌خیزد. (سپس در ذیل حدیث می‌خوانیم که امام دستور می‌دهد مال قابل‌ملاحظه‌ای به او بدهند، اما او به زودی باز می‌گردد و پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص بوده است). در تفسیر این حدیث به چند نکته باید توجه کرد:

۱- منظوران رضایت ساکنان آسمان از حکومت او، یا اشاره به فرشتگان آسمان و ملائکه مقرب پروردگار است؛ و یا اشاره به گسترش حکومت او بر کرات دیگر مسکونی (۹۶)»

و گشوده شدن راه آسمان‌ها و مسافرت‌های فضایی به نقاط دوردست جهان است.

۲- منظور از تقسیم عادلانه ثروت در شکل تقسیم مساوی - با توجه به این که می‌دانیم در اسلام که مهدی علیه‌السلام حافظ و مروج احکام آن است در برابر کار بیشتر و تلاش و لیاقت فزون‌تر، سرمایه بیشتری پرداخته می‌شود - یا اشاره به اموال بیت‌المال و اموال عمومی به طور کلی است که همگان در حکومت اسلامی در مقابل آن برابرند - چنانکه از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام نقل شده، به عکس چیزی که درباره دوران بسیاری از خلفا همانند عثمان خوانده‌ایم که انواع تبعیض‌ها را روا می‌داشتند! و یا اشاره به این است که در شرایط مساوی، امتیازات و پاداش‌ها و اجرت‌ها مساوی به افراد داده می‌شود؛ به عکس آنچه در دنیای کنونی دیده می‌شود که یک کارگر در نقطه‌ای از جهان ممکن است ساعتی ده دلار مزد بگیرد اما کارگر (۹۷)»

دیگر با همان شرایط و کیفیت در مقابل کار ده ساعته خود حتی یک دلار هم نگیرد و این نهایت ظلم است که مزد افراد در شرایط برابر، کاملاً متفاوت باشد.

۳- نکته دیگر این که، از ذیل حدیث به خوبی استفاده می‌شود که در آن روز حتی یک نفر محتاج و نیازمند وجود ندارد، به دلیل این که آن یک نفر هم که برمی‌خیزد غنای روحی نداشته و گرفتار حرص و آز بوده و الا از نظر مادی بی‌نیاز بوده است؛ و مهم این است که او تحت رهبری صحیح خود دل‌ها را مملو از غنای معنوی و روانی می‌کند؛ و این خلق و خوی زشت «حرص» را از سرزمین دل‌ها ریشه کن می‌سازد؛ همان حرصی که سرچشمه بسیاری از تلاش‌های بیهوده ثروت‌اندوزان تهی مغز است که با داشتن هزاران برابر سرمایه موردنیاز زندگی خود و فرزندان خویش، باز هم دست و پا بر جمع ثروت فزون‌تر می‌کند؛ گویی به بیماری استسقا گرفتارند که هر چه می‌نوشند باز هم سیراب نمی‌شوند.

(۹۸)»

یکی دیگر از عوامل، یا صحیح‌تر، از بهانه‌های جمع ثروت، که عدم اطمینان به وضع آینده است، در پرتو عدالت اجتماعی او به کلی از بین می‌رود و هیچ کس نیازی در خود به ثروت‌اندوزی نمی‌بیند؛ زیرا هم امروز و هم آینده او تأمین شده است.

باز در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم:

«... حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا فَلَا يَقْدِرَ أَحَدٌ يَقُولَ اللَّهُ! ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَ مِنْ عِثْرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَيُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلاذَ كَبِدِهَا وَيَحْثُو الْمَالَ حِثْوًا وَلَا يُعْذَهُ عَدَا؛ (۱)

۱- امالی شیخ (طبق نقل منتخب الاثر، صفحه ۱۶۸).

(۹۹)»

زمانی فرامی‌رسد که زمین پر از ستم می‌شود و کسی نمی‌تواند (آشکارا) نام خدا را ببرد (و دم از حق و عدالت بزند)؛ سپس خداوند عزّ و جل مردی را از من و خاندان من، برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل می‌کند آن گونه که پیش از او، پر از ستمش کرده‌اند و زمین قطعات کبد خود را برای او بیرون می‌فرستد و ثروت را بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند (و هر کس به قدر نیازش از آن برمی‌گیرد...)».

«أَفْلاذٌ جمع فَلَذٌ: به معنی قطعه و شعبه است؛ و أَفْلاذٌ کَبِدٌ به اشیاء گران بها اطلاق می‌شود و در اینجا اشاره به منابع گران قیمت و پرارزش درون زمین است.

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر فوق اشاره به این باشد که انسان دسترسی به هسته درونی گذاخته زمین می‌یابد که یک پارچه آتش و حرارت است؛ و ممکن

﴿ (۱۰۰) ﴾

است از آن به عنوان یک منبع مهم انرژی استفاده کرد؛ و نیز ممکن است منابع گران‌بهایی از انواع فلزات از آن بتوان استخراج نمود؛ و با توجه به این که پوسته جامد زمین پوسته نسبتاً نازکی است و درون دل زمین جهانی از مواد گذاخته و منابع گوناگون وجود دارد، دسترسی به چنین منبع عظیم و وسیعی می‌تواند فکر انسان را از جهات فراوانی راحت سازد.

رشد اخلاقی و تأمین نیازهای آینده به طور اطمینان‌بخش و فراوانی منابع درآمد و خلاصه جمع شدن غنای روحی و جسمی سبب می‌شود که حتی نیاز به شمارش اموال پیدانشود و هر نیازمندی نیاز خود را از بیت‌المال حکومتش بدون تشریفات زاید بگیرد. این‌ها همه از یک سو و از سوی دیگر:

اشاراتی در اخبار دیده می‌شود که نشان می‌دهد در عصر حکومت او شهرهای

﴿ (۱۰۱) ﴾

بسیار وسیع و آباد، جاده‌های وسیع، مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق و زینت ساخته خواهد شد؛ و نظارت کاملی بر طرز ساختمان‌خانه‌ها، به گونه‌ای که کمترین مزاحمتی برای مردم دیگر نداشته باشد، می‌کند:

۱- در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

« وَ یَبْنِی فِی ظَهْرِ الْکُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ یَتَّصِلُ بَیْتُ الْکُوفَةِ بِنَهْرِ کَرْبَلَا وَ بِالْحِیْرَةِ (۱)؛ در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که یک‌هزار در دارد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا و حیره می‌رسد!

و می‌دانیم فاصله میان این دو شهر هم‌اکنون بیش از ۷۰ کیلومتر است.

۲- از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم:

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.

﴿ (۱۰۲) ﴾

«إِذَا قَامَ الْفَائِمُ ... یَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شَرَفَ لَهَا كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يُوسَّعُ الطَّرِيقُ الْأَعْظَمُ فَيَصِيرُ سَبِينَ ذِرَاعًا وَ يُهْدَمُ كُلُّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَ یُسَدُّ كُلُّ كُوَّةٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَ كُلُّ جَنَاحٍ وَ كَنِيفٍ وَ مِزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ (۱)؛ هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد شد همان گونه که در عصر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود.»

جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به ۶۰ ذراع می‌رسد! و تمام مساجدی را که در مسیر قرار دارند (و مزاحم مردم هستند به فرمان او) خراب می‌شود!

و تمام دریچه‌ها و روزنه‌هایی که به راه‌ها گشوده می‌شود (و مزاحم عبور و مرور

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۳.

«(۱۰۳)»

مردم است) ویران می‌سازد.

و بالکن‌های مزاحم) و فاضلاب‌ها و ناودان‌هایی که در راه (عبور مردم) باز می‌شود می‌بندد!».

۳- و نیز در حدیثی طولانی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«... وَ لَيَصِيرَنَّ الْكُوفَةُ أَرْبَعَةً وَ خَمْسِينَ مِثْلًا وَ لَيَجَاوِرَنَّ قُصُورُهَا كَرْبَلَاً وَ لَيَصِيرَنَّ اللَّهُ كَرْبَلَاً مَعْقِلًا وَ مُقَامًا ... (۱)؛ او کوفه را پنجاه و چهار میل توسعه می‌دهد تا آنجا که عمارات آن به کربلا می‌رسد و کربلا (کوی شهیدان و قهرمانان و جانبازان راه خدا) مرکز و کانون بسیاری از فعالیت‌ها می‌گردد...».

۱- بحارالانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۲.

«(۱۰۴)»

۴- روایات در زمینه پیشرفت کشاورزی و فزونی فراورده‌های زراعی و فزونی آب‌ها و دام‌ها و عمران و آبادی در تمام زمینه‌ها فراوان است (۱).

پیشرفت‌های قضایی

برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم، از یک سو تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق لازم است؛ و از سوی دیگر به وجود آمدن یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع.

مسئله پیشرفت کامل صنایع، وسایلی را در اختیار بشر می‌گذارد که با آن به خوبی می‌توان - در مورد لزوم - حرکات همه مردم را تحت کنترل قرار داد و هر حرکت

۱- منتخب‌الآثر، صفحات ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴.

«(۱۰۵)»

ناموزون و نابجایی را که منتهی به فساد و تجاوز و ستمی می‌شود، زیر نظر گرفت؛ و با علائم و آثاری که مجرمان در محلّ جرم باقی می‌گذارند، از آنها عکسبرداری کرد؛ صدای آنها را ضبط نمود و آنها را به خوبی شناخت. قرارگرفتن چنین وسایلی در اختیار یک حکومت صالح، عامل مؤثری برای پیشگیری از فساد و ستم و در صورت وقوع چنین موضوعی، رساندن حق به صاحب حق است.

شک نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق‌العاده پیشرفته، آن‌چنان وسعت می‌گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک‌زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده سازد.

ولی از آنجا که بالاخره انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمی‌کند؛ خواه ناخواه افرادی - هرچند در اقلیت باشند - در هر اجتماع صالحی

«(۱۰۶)»

ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول به مقاصد شومی بهره گیرند.

لذا باید یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلط باشد که حقوق مردم را به آنها برساند و ستمگر را بر سر جای خود بنشاند.

با مطالعه و دقت روی جرائم و جنایات و مفاصد اجتماعی و طرق پیشگیری از آنها، روشن می‌شود که:

اولاً، با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت، ریشه بسیاری از مفسدات اجتماعی که از تنازع و کشمکش بر سر انداختن ثروت‌ها و استثمار طبقات ضعیف و حيله و تزویر و انواع تقلب‌ها و دروغ و خیانت و جنایت به خاطر درآمد بیشتر از هر راه با هر وسیله، سرچشمه می‌گیرد، برچیده می‌شود؛ و شاید رقم بزرگ فساد و ظلم (۱۰۷) (۱۰۷)

در هر جامعه‌ای از همین رهگذر است؛ با از میان رفتن ریشه اصلی، شاخ و برگ‌ها خود به خود می‌خشکد. ثانیاً، آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد؛ و یکی از علل مهم توسعه فساد در جوامع امروز این است که نه تنها از وسایل ارتباط جمعی آن، استفاده برای آموزش صحیح نمی‌شود، بلکه همه آنها غالباً در خدمت کثیف‌ترین و زشت‌ترین برنامه‌های استعماری فساد است؛ و شب و روز بطور مداوم از طریق ارائه فیلم‌های بدآموز و داستان‌ها و برنامه‌های گمراه‌کننده و حتی اخبار دروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است، به ظلم و تبعیض و فساد خدمت می‌کنند.

البته این‌ها نیز از جهتی ریشه اقتصادی دارد و در جهت تخدیر مغزها و به ابتدال (۱۰۸) (۱۰۸)

کشیدن مفاهیم سازنده و نابود کردن نیروهای فَعَال و بیدار هر جامعه، برای بهره‌گیری بیشتر غول‌های استعمار اقتصادی حرکت می‌کند بی آن‌که به مانع مهمی روبه‌رو شوند.

هرگاه این وضع دگرگون گردد، در مدت کوتاهی بطور قطع قسمت مهمی از مفسدات اجتماعی فرو خواهد نشست؛ و این کار جز از یک حکومت صالح و سالم جهانی که در مسیر منافع توده‌های جهان - و نه استثمارگران - برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملو از صلح و عدالت و ایمان، ساخته نیست.

ثالثاً، وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سرباز زنند، نیز عامل مؤثری در کاهش از میزان فساد و گناه و تخلف از قانون است. و اگر این سه جنبه دست‌به‌دست هم بدهد، ابعاد تأثیر آن فوق‌العاده زیاد خواهد بود.

(۱۰۹) (۱۰۹)

از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی علیه‌السلام استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل بازدارنده، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد آن‌چنان که جمله معروفی که حکم ضرب‌المثل را دارد جامه عمل به خود می‌پوشد؛ همان جمله که می‌گوید:

«زمانی فرا می‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند!».

مسئله گرگان بیابان تغییر ماهیت نمی‌دهند، لزومی هم ندارد که چنین شود و نه میش‌ها از حالت کنونی درمی‌آیند؛ این اشاره به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ‌صفتان خونخوار که با سازش با حکومت جبار قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه می‌دادند، می‌باشد.

آن‌ها در پناه نظام جدید یا به کلی تغییر روحیه می‌دهند، چراکه گرگ صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و از نهادهای عَرَضی و قابل تغییر است و یا حدّ اقلّ بر

(۱۱۰) (۱۱۰)

سرجای خود می‌نشینند و به جای خوردن منافع دگران در کنار آنها از مواهب الهی به‌طور عادلانه بهره می‌گیرند، همان‌گونه که «گرگ» در کنار «میش» و بر سر «چشمه»!

در غیر این دو صورت مشمول تصفیه شده و وجودشان از میان برداشته خواهد شد!

از جمله اشارات قابل توجه در این زمینه، همان است که در مورد تقسیم صحیح مال در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که آن قدر مردم غنای جسمی و روحی پیدا می کنند که اموال اضافی می ماند و طالبی ندارد؛ یعنی مردم در یک نظام صحیح حکومت آن چنان تربیت می شوند که اموال زائد بر نیاز خود را در دسری برای خویش می بینند! و تمام شور و شرها و قال و غوغایی که از این رهگذر پیدا می شود، فرو می نشیند!

زندگی همه تأمین و از آینده نیز هیچ گونه نگرانی نخواهند داشت تا به خاطر تأمین آن تن به آلودگی‌ها و مسابقه جمع ثروت بدهند.

« (۱۱۱) »

و نیز در حدیث دیگری خواندیم که سطح افکار مردم در عصر حکومت او چنان بالا می رود که به هیچ وجه با امروز قابل قیاس نیست و طبعاً تضادها و کشمکش‌هایی که مولود کوه نظری‌ها و تنگ چشمی‌ها و پایین بودن سطح افکار و خلاصه کردن شخصیت در میزان مال و ثروت است؛ برچیده خواهد شد.

به خاطر مراقبت شدیدی که در عصر حکومت او طبق روایاتی که گذشت، اعمال می گردد؛ حتی مجرمان در محیط خانه خود در امان نیستند، چرا که ممکن است با وسایل پیشرفته‌ای تحت کنترل باشند و حتی مثلاً امواج صوتی آنها بر روی دیوار قابل کنترل گردد؛ این خود اشاره دیگری به وسعت ابعاد مبارزه با فساد در عصر حکومت او است.

داوری کردن او بر طبق قانون دادرسی محمد صلی الله علیه و آله و قانون دادرسی داوود علیه السلام

« (۱۱۲) »

گویا اشاره به این نکته لطیف است که او هم به موازین ظاهری دادرسی اسلامی همچون اقرار و گواهی گواهان و مانند آن استفاده می کند؛ و هم از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی، آن چنان که پاره‌ای از نمونه‌های آن از عصر داوود علیه السلام نقل شده است.

به علاوه، در عصر او به موازات پیشرفت علوم و دانش‌ها و تکنیک و صنعت، آن قدر وسایل کشف جرم تکامل می یابد که کمتر مجرمی می تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد.

در یکی از مطبوعات خبری پیرامون شگفتی‌های مغز آدمی خواندم که مغز انسان امواجی برابر با اعتقادات درونی بیرون می فرستد که با اندازه گیری آن می توان به راست گویی و دروغ گویی افراد در اظهاراتشان پی برد!

« (۱۱۳) »

مسلماً این وسایل تکامل می یابد و وسایل دیگری نیز اختراع می گردد. و با استفاده از روش‌های پیشرفته روانی، مجرمان کاملاً مهار می شوند، هر چند مجرم در چنین جامعه‌ای اصولاً کم است (ولی همان کم نیز کاملاً مهم است).

برای چندمین بار تکرار می کنیم:

این اشتباه است اگر ما تصور کنیم که در عصر حکومت او همه این مسائل از طریق اعجاز حل می شود، چرا که اعجاز حکم یک استثناء را دارد و برای مواقع ضروری و مخصوصاً اثبات حقیقت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است، نه برای تنظیم زندگی روزمره و جریان عادی زندگی؛ که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجزه استفاده نکرده است.

بنابراین، مسیر حکومت جهانی او از همان نمونه است که اشاره کردیم نه از نمونه اعجاز!

« (۱۱۴) »

به هر حال، آن چنان امتیاتی در سایه حکومت او جهان را فرامی گیرد که طبق روایتی یک زن تنها می تواند از شرق جهان به

غرب عالم برود بدون این که کسی مزاحم او شود!

اگر مسأله سادگی زندگی مهدی علیه السلام را - طبق آنچه در روایات آمده به آن بیفزائیم باز مسأله از این هم روشنتر می شود؛ چراکه عمل او سرمشق و الگویی است برای مردمی که تحت پوشش حکومت او قرار دارند، یعنی برای همه مردم جهان. و با در نظر گرفتن این موضوع که قسمت مهمی از جرائم و جنایات و مفساد اجتماعی از تجمل پرستی و پرزرق و برق شدن زندگی و تشریفات بیهوده و پرخرج و کمرشکن سرچشمه می گیرد، یکی دیگر از دلایل برچیده شدن مفساد در دوران حکومت او روشن می گردد.

« (۱۱۵) »

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین آمده است:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ إِلَّا الْعَيْظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجُشْبُ (۱)؛ لباس قائم علیه السلام چیزی جز پارچه خشن نیست و غذای او نیز تنها غذای ساده و کم‌اهمیت است!». (۲)

آینده جهان (۳)

اصل اندیشه مهدویت و وجود موعودی برای اصلاح جهان تنها توسط آیین

۱- منتخب الاثر، صفحه ۳۰۷.

۲- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.

۳- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است.

« (۱۱۶) »

اسلام طرح نشده است؛ بلکه این بشارتی است که خدای متعال به همه انبیاء داده و تمامی ادیان توحید منادی این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آن صالحان خوانده‌اند و حاکمیت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلمداد کرده‌اند و این اندیشه آن قدر در ادیان توحیدی مهم و پر رونق بوده که به ادیان غیر توحیدی نیز رنگ داده‌اند و ادیانی که به ظاهر منشأ الهی نداشته‌اند، آنان نیز اعتراف به وجود مصلح جهانی کرده‌اند.

۱- آیین یهودیت

«تورات»، سفر پیدایش، باب هفدهم:

۱۸- و ابراهیم به خدا گفت کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند...

« (۱۱۷) »

۲۰- و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.

در این بیان، اشاره به ۱۲ امام از نسل اسماعیل علیه السلام دارد که امتی عظیم از او به وجود می آید.

و این همان بشارتی است که خداوند در قرآن می فرماید؛ و با تمام تحریف‌ها و تغییرهایی که در تورات راه یافته، اما هنوز این بشارت باقی است. خداوند می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱)

« (۱۱۸) »

و به تحقیق در زبور پس از ذکر (در کتب پیشین) نوشتیم که همانان زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

۲- آیین مسیحیت

«انجیل مرقس»، باب ۱۳:

۳۰- هر آینه به شما می‌گویم تا جمیع این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهند گذشت. ۳۱- آسمان و زمین زایل می‌شود لیکن کلمات من هرگز زایل نشود. ۳۲- ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و ۱- قرآن کریم، ۱۰۵ / انبیاء .

« (۱۱۹) »

نه پس هم. ۳۳- پس برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. ۳۴- مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هریکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. ۳۵- پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. ۳۶- مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. ۳۷- اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید.

در این بشارت به سان مطالب پیشین اشاراتی بر ظهور موعود دارد. تنها در این جا چند فراز اضافه دارد: یکی امر بر دعای فرج است که حضرت عیسی علیه‌السلام هم نمی‌داند. در روایات اسلامی وارد شده که زمان ظهور را جز خدای متعال کسی نمی‌داند و امر ظهور در یک شب اصلاح می‌شود.

« (۱۲۰) »

«انجیل لوقا» باب ۱۲:

۳۵- کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. ۳۶- و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. ۳۷- خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد هر آینه به شما می‌گویم که کمر خود را بسته ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده ایشان را خدمت خواهد کرد. ۳۸- و اگر در پاس دوم یا سیم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد خوشا به حال آن غلامان. ۳۹- اما این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زنند. ۴۰- پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. ۴۱- پطرس به وی گفت ای خداوند آیا

« (۱۲۱) »

این مثل را برای ما زدی یا به جهت همه. ۴۲- خداوند گفت پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدام خود گمراه باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند. ۴۳- خوشا به حال آن غلام که آفایش چون آید او را در چنین کار مشغول یابد. ۴۴- هر آینه به شما می‌گویم که او را بر همه مایلمک خود خواهد گماشت. ۴۵- لیکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقیم به طول می‌انجامد و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و میگساریدن شروع کند. ۴۶- هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند و او را دوباره کرده نصیبتش را با خیانتکاران قرار دهد. ۴۷- اما آن غلامی که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده او عمل نماید تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸- اما آن که نادانسته کارهای شایسته‌ای ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هر کسی که عطا

« (۱۲۲) »

زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.

اینجا نیز بسان فرازهای پیشین بشاراتی بر حضرتش دارد و مطلب افزون در اینجا دو گونه بودن کار گزاران حضرتش می‌باشند که

برخی از دوران غیبت ایشان سوءاستفاده کرده و به جان و مال دیگران می‌تازند و با این گمان که نه شاید که حضرتش به زودی نیاید به کارهای ناشایست دست می‌یازند که در بشارات اسلامی رسیده است: حضرتش چون ظاهر شوند هزار فقیه را در مسجد مدینه که جملگی با حضرتش مخالفت می‌کنند، نابود می‌نماید. و گروهی به پاسداری از مرزهای دین می‌پردازند و خود را مهیا برای دوران قیام سرور بخش آن حضرت می‌کنند و در ایام غیبت به اهداف و آرمان‌های حضرتش جامه عمل می‌پوشانند و در این راه مرتکب

﴿ (۱۲۳) ﴾

کوچک‌ترین کوتاهی و خطا نمی‌شوند که «به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد».

۳- آیین زرتشت

آیین زرتشت

در آسمانی بودن آیین زرتشت اختلاف وجود دارد، ولی گروهی از محققین اسلامی آن آیین را در زمره ادیان آسمانی، بر شمرده‌اند. (۱) در آن آیین نیز موضوع

۱- ولی حتی اگر آن آیین آسمانی هم باشد، مسلماً کتاب «اوستا» دستخوش تحریف قرار گرفته است و امروزه این کتاب را نمی‌توان در زمره کتاب‌های آسمانی دعوتگر به یکتاپرستی دانست و برخی محققین بیان می‌کنند که این آیین از دستبرد فلسفه میترانی (دوگانه‌پرستی) که در آن روزگار رواج داشته در امان نمانده است و حقایق توحیدی آن آیین توسط فلسفه میترانی که در ایران زمین رواج داشته است دستخوش تحریف شده است.

﴿ (۱۲۴) ﴾

منجی جهان طرح شده است و افراد زرتشتی را به آمدن او بشارت داده‌اند. ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

در آیین زرتشت «سُوشِیَانت» به عنوان منجی جهان یاد شده است. کلمه سوشیانت که در کتاب «اوستا» از او یاد شده است به معنای «سود رساننده» و «سودبخش» است. سوشیانت‌ها یاوران و نگاهبانان آیین مَرْدِیَسِنَا هستند که هدفشان رستگاری و نجات مردم از جهل و نادانی و ظلم و ستم است و سوشیانت بزرگ به عنوان منجی کلّ جهان می‌باشد. در متون زرتشتی آمده است:

﴿ (۱۲۵) ﴾

کی ای مزاد! سپیده‌دم در آید و جنبش بشر به سوی راستی روی کند. کی نجات دهنده (سوشیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد. کدامند کسانی که «وهومن» به یاری آنان آید. (۱)

اصل مهدویت از جمله مباحثی است که تمامی فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و از اصول مسلم در آیین اسلام می‌باشد. ما در این جا به عنوان نگرشی بسیار گذرا ابتدا به کتب عامّه نگاه می‌کنیم و سپس اشارتی اجمالی به منابع شیعی می‌نماییم.

الف- آرمان مهدویت در کتب عامّه

۱- «سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، علی اصغر مصطفوی / ۵۴ و ۵۵ نقل از «سیمای انسان کامل»، عبدالله نصری / ۱۸.

﴿ (۱۲۶) ﴾

عبدالرحمن سیوطی عالم بزرگ اهل سنت در کتاب «عَوْفُ الْوَرْدِي فِي اَخْبَارِ الْمَهْدِيِّ» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند:

هر که خروج مهدی را انکار کند، کافر شده است. (۱)

و نیز حموی در کتاب «فَرَائِدُ السَّمَطَيْنِ» به نقل از ابن عباس بیان می کند که گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

همانا علی بن ابیطالب پیشوای امت من و جانشین پس از من بر ایشان است، و از فرزندان او قائم منتظر می باشد که خداوند به او زمین را از داد آکنده می کند همان گونه که از ستم پر شده باشد و سوگند به آن کسی که مرا به حق به پیامبری ۱- «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ» .

« (۱۲۷) »

برانگیخت ثابت پیمانان بر امانتش در دوران غیبت او نایاب تر از گوگرد سرخ می باشد. (۱) و نیز ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم که از بزرگان اهل سنت هستند از ام سلمه نقل کرده اند که گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیها السلام خواهد بود. (۲)

۱- «فرائد السمطين»، حافظ حموی، انتهای ج ۲، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُنتَظَرُ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم الدین عسکری، ج ۲ / ۲۹۷ .

۲- «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»، کتاب «الْحَاوِي لِلْفَتَاوَى» جزء دوم ۳۵۵، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

« (۱۲۸) »

شیخ محی الدین عربی:

بدانید که قیام مهدی علیه السلام حتما رخ می دهد. اما او قیام نمی کند تا آن که زمین از ستم آکنده گردد و او آن را از داد و برابری انباشته می کند و اگر از عمر دنیا جز یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا این خلیفه الهی به حکومت برسد. او از خاندان رسول صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه رضی الله عنها می باشد و جدش حسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام و پدرش حسن عسکری فرزند امام علی نقی فرزند امام محمد تقی فرزند امام علی الرضا فرزند امام زین العابدین علی فرزند امام حسین بن علی فرزند امام علی بن ابیطالب رضی الله عنه می باشد... اسلام را پس از خواریش عزت می بخشد و پس از مردنش زنده می نماید... هر که با او بستیزد خواری می گردد. از آیین آنچه واقعی است، آشکار می سازد به طوری که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله

« (۱۲۹) »

زنده می بود، بدان فرمان می داد. در دورانش چیزی جز آیین خالص و پاک از رأی و پندارها باقی نخواهد ماند. در احکامی که آشکار می نماید با اکثر فتوای علمای مذاهب که نسبت به احکام دینی حکم می کنند، مخالفت خواهد داشت، زیرا آنان گمان می کنند که خداوند پس از پیشوایان پیشین آنان مجتهدی را آشکار نخواهد ساخت. (۱)

ب - آرمان مهدویت در آئینه کتب شیعی

ترسیم مهدویت در میان شیعیان روشن تر از آن است که بخواهیم دلایل زیادی

۱- «فتوحات مکیه»، محی‌الدین، فصل ۳۶۶ نقل از ترجمه «کشف الاستار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط . (۱۳۰)»

اقامه کنیم و این موضوع آن قدر قطعی بوده است که دانشمندان شیعی کتاب‌هایی در غیبت حضرتش قبل از ولادت ایشان نوشته‌اند که از آن جمله کتاب «الغیبه» اثر فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب امام هادی و حضرت عسکری علیهم السلام را می‌توان نام برد و از عصر ولادت آن حضرت تا کنون، قرن به قرن محدثان بزرگوار شیعه در کنار آثار مهم خود کتابی نیز در پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نگاشته‌اند که از آن جمله است «کمال الدین و تمام النعمه» اثر شیخ صدوق (متوفی سال ۳۸۰ ه.ق)، کتاب «الغیبه» اثر ابن ابی زینب نغمانی (متوفی سال ۴۰۰ ه.ق).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ دوران جاهلیت مرده است. (۱)

(۱۳۱)»

و نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: پس از حسین نه تن از صلب او خلیفه خدا در روی زمین هستند و حجت خدا بر بندگان و امین خدا بر وحی او می‌باشند. آن‌ها پیشوای مسلمین و رهبر مؤمنین و سرور پرهیزگاران می‌باشند و نه می‌آنها قائم است. (۱)

خدای عز و جل دین را رها و یله قرار نداده است و در هر زمان نگاهبانی معصوم را قرارداده تا با دیده نافذ خود نظاره گر جوامع شیعی باشد و دین را از گزند روزگار و

۱- «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». «الاختصاص»، شیخ مفید / ۲۶۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «وَمِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَجُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمَنَؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ هُمْ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةُ الْمُتَّقِينَ وَ تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ»، کتاب «اعلام الوری»، اثر طبرسی / ۳۷۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۳۲)»

انحراف آفرینی منحرفان حفظ کند و این چند سده عصر غیبت در فراز و نشیب‌های خطرناک و طوفان‌های هولناک حضرت بقیه‌الله امام زمان علیه السلام مذهب شیعه را پاس داشته‌اند و شیعیان را از چپاولگری چپاولگران اعتقادی حفظ فرموده‌اند. حضرتش در فرازی از توفیق صادره به شیخ مفید فرمودند:

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را به فراموشی نمی‌سپاریم که اگر این چنین نبود بلاها بر شما بارش می‌رفت و دشمنان شما را خورد می‌کردند. (۱)

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی علیه السلام

۱- وارستگی‌ها و صلاحیت‌های رهبری:

۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۳ باب توقیعات .

(۱۳۳)»

رهبری حکومت واحد جهانی را خدای متعال بر عهده بنده صالح خود حضرت حجه‌بن‌الحسن علیهم السلام قرارداده است و او یگانه انسان است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضاء فرموده است و اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا برکنار است و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی‌شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامی‌اش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام فرموده است:

«أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۱)

همانا خدای چنین خواسته است که تمامی ناپاکی‌ها را از شما اهل بیت بزدايد و شما را از همه پلیدی‌های پاک نماید.

۱- قرآن کریم، ۳۳ / احزاب .

« (۱۳۴) »

۲- نیروهای کارآزموده و بی‌آلایش :

یاران حضرت مهدی علیه‌السلام - همانانی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهد کشید - بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والاگه‌ری می‌باشند که از همه ویژگی‌های نیکو بهره‌ای دارند . امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره یاران امام زمان علیه‌السلام می‌فرماید:

آنها قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می‌جویند. آنها همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگل‌های خود بیرون آمده‌اند. اگر اراده کنند که کوه‌ها را از جای خود برکنند، بی‌تردید انجام

« (۱۳۵) »

می‌دهند. آنها به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند. برای آنها در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده، شب زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند. گویی اخلاق و آداب آنها یکی است. دل‌های آنها بر محبت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است. (۱)

حضرت صادق علیه‌السلام در توصیف ایشان می‌فرماید:

...مردانی هستند که دل‌های آنها چون قطعه‌های آهن است که هرگز شک و تردید در آنها راه ندارد. آنها در اعتقاد خود نسبت به خدا از سنگ سخت‌تر هستند. اگر به کوه‌ها هجوم ببرند. آنها را از پای درمی‌آورند، با پرچم‌های خود به هیچ

۱- «ترجمه یَوْمُ الْخَلَاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۱۴ .

« (۱۳۶) »

کشوری روی نمی‌آورند، مگر این که آن را فتح می‌کنند. بر فراز اسب‌های نجیب خود دست بر زین امام علیه‌السلام می‌کشند و تبرک می‌جویند. آنها به هنگام نبرد پروانه‌وار شمع وجود امام علیه‌السلام را در میان گرفته، محافظت می‌کنند و هرچه حضرتش اراده کند آن را برمی‌آورند. مردان شب زنده‌داری هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها خدا را تسبیح می‌گویند. آنها در برابر فرمان امامشان، از بنده مطیع نسبت به مولایش، مطیع‌تر هستند. گویی دل‌های آنها مشعلی نورانی است و آنها از ترس پروردگار خود نگران هستند...

شعار آنها «یا لثاراتِ الْحُسَيْنِ» (ای خونخواهان حسینی است). رعب و وحشت آنها مسافت یک‌ماه جلوتر از خودشان پیش می‌رود و آنها فوج فوج به سوی مولای

« (۱۳۷) »

(خود) حرکت می‌کنند. خداوند به وسیله آنها امام حق را یاری می‌فرماید. (۱)

و نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام در ضمن حدیث طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه‌السلام چنین می‌فرماید :

...با او بیعت می‌کنند که هرگز:

دزدی نکنند،

زنا نکنند،

مسلمانی را دشنام ندهند،

خون کسی را به ناحق نریزند،

۱- «ترجمه یَوْمُ الْخَلَاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۲۸ .
(۱۳۸) ﴿﴾

به آبروی کسی لطمه نزنند،

به خانه کسی هجوم نبرند،

کسی را به ناحق نزنند،

طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند،

مال یتیم را نخورند،

در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،

مسجیدی را خراب نکنند،

مشروب (الکلی) نخورند،

حریر و خز نپوشند،

در برابر سیم و زر سرفرود نیاورند،

(۱۳۹) ﴿﴾

راه را بر کسی نبندند،

راه را نامن نکنند،

گرد همجنس‌بازی نگردند،

خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند،

به کم قناعت کنند،

طرفدار پاک‌باشند،

از پلیدی گریزان باشند،

به نیکی فرمان دهند،

از زشتی‌ها بازدارند،

جامه‌های خشن بپوشند،

(۱۴۰) ﴿﴾

خاک را متکای خود سازند،

در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...

امام مهدی علیه‌السلام نیز در حق خود تعهد می‌کند که:

از راه آن‌ها برود،

جامه‌ای مثل جامه آن‌ها بپوشد،
 مرکبی همانند مرکب آن‌ها سوار شود،
 آن‌چنان که آن‌ها می‌خواهند باشد،
 به کم راضی و قانع شود،
 زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آن‌چنان که از پر از ستم شده است،
 خدا را آن‌چنان که شایسته است پرستد،

﴿ (۱۴۱) ﴾

برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... (۱)

ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه‌السلام

برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت عدل الهی دست غیبی لازم است. تمام انبیا در کنار همه واجدیت‌های انسانی، قدرت‌های الهی نیز داشته‌اند و بابر خورداری از آن قدرت‌ها بر اهریمنیان پیروز شده‌اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و... جملگی به مدد‌های غیبی و توانایی‌های الهی آنان

۱- «منتخب الاثر»، لطف الله صافی / ۴۶۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
 ﴿ (۱۴۲) ﴾

بوده است.

امام مهدی علیه‌السلام نیز واجد تمام توانایی‌ها و معجزات و بینات انبیا است. دامنه توانایی او به گستره همه تاریخ است. زیرا کار آن حضرت نیز به بزرگی همه تاریخ بشریت می‌باشد و آنچه را که انبیای الهی در دوران عمر خویش برپایی آن موفق نشده‌اند، حضرتش یک تنه باید بیادارد. لذا تمامی نیروهای غیبی در اختیار حضرتش می‌باشد.

در این مورد تنها به دو روایت اشاره می‌کنیم :

امام صادق علیه‌السلام فرمودند :

هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیانست، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن را به دست قائم علیه‌السلام ظاهر می‌گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند. (۱)

۱- «اثبات الهداء»، شیخ حرّ عاملی، ج ۷ / ۳۵۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۹۴ .

﴿ (۱۴۳) ﴾

و نیز حضرت صادق علیه‌السلام در ترسیم زمان ظهور حضرتش می‌فرمایند:

در آن هنگام آقای ما قائم علیه‌السلام به خانه خدا تکیه می‌کند و می‌فرماید:

ای مردم! هر که می‌خواهد «آدم» و «شَیْث» (۱) را ببیند، بداند من «آدم» و «شَیْث» هستم (و تجسّم آنان می‌باشم).

و هر که می‌خواهد «نوح» و فرزندش «سام» را ببیند، بداند من همان «نوح» و «سام» هستم.

و هر که می‌خواهد «ابراهیم» و «اسماعیل» را ببیند، بداند من همان «ابراهیم» و

۱- «شَیْث» وصیّ حضرت «آدم» است و «سام» وصیّ حضرت «نوح» می‌باشد و «یُوشَع» وصیّ حضرت «موسی» است و «شَمْعُون»

وصی حضرت «عیسی» می باشد.

«(۱۴۴)»

«اسماعیل» هستم.

و هر که می خواهد «موسی» و «یوشع» را ببیند، بدانند من همان «موسی» و «یوشع» هستم.

و هر که می خواهد «عیسی» و «شمعون» را ببیند، بدانند من همان «عیسی» و «شمعون» هستم.

و هر که می خواهد «محمد» صلی الله علیه و آله و «امیرالمؤمنین» علیه السلام را ببیند، بدانند من همان «محمد»

صلی الله علیه و آله و «امیرالمؤمنین» علیه السلام هستم.

و هر که می خواهد «حسن» و «حسین» علیهم السلام را ببیند، بدانند من همان «حسن» و «حسین» علیهم السلام هستم.

و هر که می خواهد امامان از ذریه حسین علیهم السلام را ببیند، بدانند که من همان

«(۱۴۵)»

ائمہ اطهار هستم.

دعوتم را بپذیرید و نزد من جمع شوید و هر چه (آنان) گفته و هر چه را نگفته‌اند، به شما خبر می‌دهم. (۱)

برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه السلام

یکی از مشکلات مهم هر نظام اجتماعی ناتوانی‌های مالی آن است. اما خدای متعال گنجینه‌های پنهانی خویش را در اختیار حجت

خود حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام

۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، جلد ۵۳ / ۹ نقل از «ترجمه مکیال المکارم»، محمدتقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ /

۱۹۵.

«(۱۴۶)»

قرار می‌دهد و در دوران آن حکومت این امام علیه السلام مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود. ما در این جا اجمالی را

در این مورد بیان می‌کنیم و گسترده آن را در بخش تصویر جهان پس از ظهور خواهیم آورد.

امام صادق علیه السلام در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می‌فرماید:

چون قائم ما به پاخیزد... زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد، به گونه‌ای که بر سطح آن دیده می‌شود. چون فردی از شما برای

ادای زکات خود درصدد یافتن شخصی (نیازمند) برمی‌آید، کسی را نمی‌یابد که آن (مال) را بپذیرد. مردم به فضل الهی

از آنچه به ایشان روزی می‌فرماید، بی‌نیاز می‌شوند. (۱)

۱- «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه السلام)، سید محسن امین / ۳۴۹.

«(۱۴۷)»

جهان در عصر پس از ظهور امام زمان (عج)

آنچه از دانش در عصر همه پیامبران حتی در عصر اسلام توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی‌اش علیهم السلام آشکار شده، تنها دو

حرف از دانش است و در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام ۲۵ حرف دیگر از دانش آشکار خواهد شد که اصلاً در

گذشته همه جهان سابقه نداشته است و حضرتش از نوامیس طبیعی چیزهایی را ظاهر می‌فرماید که اصلاً در اندیشه بشر امروز

جای ندارد. چنان که معصوم می‌فرماید:

(۱۴۸) ﴿﴾

علم ۲۷ حرف است، آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند تنها دو حرف بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. هنگامی که قائم ما علیه‌السلام قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و آن‌ها را در میان مردم بسط می‌دهد و آن دو حرف گذشته را هم به آن می‌افزاید تا ۲۷ حرف (دانش را در میان مردمان) می‌پراکند. (۱)

فن‌آوری ارتباطات در عصر مهدی علیه‌السلام

۱- «الزام الناصب»، ج ۲ / ۳۰۷ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

(۱۴۹) ﴿﴾

ارتباطات در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام به شکوفایی فاحش خود می‌رسد، اما آن شکوفایی که در کنارش مشکلی برای دیگران مطرح نباشد. مسافت‌های طولانی در مدتی اندک طی می‌شود، اما نه به همراه رنج صدای مهیب جت‌ها برای مردمان مسیر پرواز. راه‌ها به سرعت درنور دیده می‌شود، اما نه همراه مشکل برای مردمان کنار «خط آهن». وسایل مسافرت فراوان می‌شود، اما نه همراه دود و آلودگی محیط زیست برای جانوران دریایی و ساحل‌نشینان. اما از کیفیت این مسافرت‌ها آگاهی کافی نداریم. در برخی روایات حتی به مسافرت‌های بدون وسایل ظاهری اشاره شده است. در برخی روایات به مسافرت‌هایی چون سفرهای سلیمان گوشزد شده است و به برخی وسایل بالاتر از وسایل سفرهای فضایی در دوران ذوالقرنین اشاره دارد.

(۱۵۰) ﴿﴾

ولی آنچه مسلم است آن وسایل هرچه باشد، مشکل و ستم و ناراحتی را برای دیگران به همراه نخواهد داشت که دوران ظهور آن حضرت دوران اتمام همه ستم‌ها و آزارها است.

اما از نظر ارتباطات صوتی و تصویری جهانی، دوران حضرتش باز ویژگی‌های خاصی دارد. در برخی روایات چنین می‌خوانیم: در هنگام ظهور آن حضرت، تنها یک چشم او را نمی‌بیند، بلکه در یک آن واحد همگان همزمان آن حضرت را خواهند دید. (۱)

و نیز روایات دیگر بدین مطلب اشاره می‌کنند که ارتباطات خواهد بود، اما بدون نیاز به وسایل خارجی. چنان که امام علیه‌السلام می‌فرماید:

۱- نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

(۱۵۱) ﴿﴾

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما نیرویی عنایت می‌فرماید که میان آنان و حضرت قائم علیه‌السلام پیک و پست نخواهد بود که ارتباط برقرار کند. پس آن حضرت هر جا که باشد با ایشان سخن می‌گوید و آنان سخن حضرتش را می‌شنوند و او را می‌بینند در حالی که حضرتش در مکان خود می‌باشد. (۱)

این حدیث اشاره به ارتباطاتی و رای ارتباطات از راه تلویزیون، تلفن، رادیو، بی‌سیم و رادار دارد. ارتباطی از راه دیدن و شنیدن مستقیم.

خداوند تمامی وسایل این جهان را در تسخیر حضرتش قرار خواهد داد و حتی این مطلب منحصر در ارتباطات بین قاره‌ای نخواهد بود، بلکه در دوران آن حضرت

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۶.

(۱۵۲) ﴿﴾

مسافرت‌ها کیهانی بر همگان ممکن می‌شود و حتی در روایات ما اشاره‌ای به مسافرت هشت ساعتی به کره خورشید دارد.

اما آن حضرت برابرها سوار خواهد شد و به وسیله وسایلی، وسایل آسمان‌های هفتگانه بالا خواهد رفت (وبه آن آسمان‌ها دست خواهد یافت). (۱)

باید گفت که عصر امام مهدی علیه‌السلام، تنها عصر اتحاد و یکپارچگی ملت‌های زمینی نیست، بلکه عصر هماهنگی و یکپارچگی همه عوالم هستی با یکدیگر است و مهدی علیه‌السلام نه تنها دستی بر زمین خواهد داشت که همه گیتی با همه موجوداتش در

۱- «بحارالانوار»، ج ۵۲ / ۳۳۵: «أما أَنَّهُ سَيُزَكِّبُ السَّحَابَ وَيَزُقِي فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ» .

« (۱۵۳) »

تحت فرمان نافذ او قرار خواهد گرفت و او تمامی اقالیم هفت گانه وجود را تسخیر خواهد کرد. نه تنها هفت قاره زمین که همه سرپرده‌های گیتی و همه کرات آسمانی در زیر فرمان او سرتسلیم فرود خواهند آورد.

سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام

یکی از آرزوی دانشمندان کنونی، افزایش عمر طبیعی انسان است و حتی در آمال همه انسان‌های جهان عمری در حدود یکصد سال به عنوان یک آرزوی قلبی است. مراکز تحقیقاتی فراوانی در سرتاسر جهان به این مهم پرداخته‌اند که با ایجاد وسایل، داروها و... عمر طبیعی انسان را بالا-برند، امّا هنوز به نتیجه‌ای مطلوب نرسیده‌اند و هرچه تمدن فسادزای امروزی پیش می‌رود و صنایع شیمیایی گسترش می‌یابد، ضایعات ناشی از آن‌ها بر محیط زیست، سایه مرگبار خود را می‌گستراند و حتی

« (۱۵۴) »

حیات اندک انسان و جهان جانوران را تهدید می‌کند. پیدایش بیماری‌های نو به نو، گسترش آلودگی‌های محیط زیست، تقلیل اکسیژن و گازهای ضروری زندگی موجودات، باقی ماندن ضایعات رادیو اکتیو و تشعشعات مضر زباله‌های اورانیوم و فضولات مضر حیات حتی حیات محدود را برای انسان‌ها در معرض جدی قرار داده است .

امّا دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام دوران زدوده شدن همه آلودگی‌ها و فسادها است، چه فسادهای شخصی، چه تباهی‌های اجتماعی و چه آلودگی‌های محیط زیست. خدای متعال به برکت آن حضرت و دم مسیحایی او بیماران را شفا می‌بخشد و مرض‌های صعب‌العلاج را درمان می‌کند.

خدای متعال در شب معراج به پیامبرش فرمود:

همانا من به وسیله او (مهدی حجه‌بن‌الحسن) نابینایان را شفا می‌بخشم و

« (۱۵۵) »

به وسیله او مریض‌ها را درمان می‌کنم. (۱)

آن حضرت نه تنها مرض‌های ساده را شفا می‌دهد، بلکه معلول‌هایی را که امروزه بشر از درمان آن‌ها عاجز هستند، بهبودی می‌بخشد، که او را دمی مسیحایی است.

امام سجاد علیه‌السلام در ترسیم آن دوران می‌فرماید :

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند تمام بیماری‌ها را از شیعیان ما دور می‌کند و ایشان را توان می‌بخشد. (۲)

حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند :

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۷۰ به نقل از «کمال‌الدین».

۲- «الغیبه»، ابن‌ابی‌زینب نعمانی / ۱۷۱ و «الزام‌الناصر» / ۱۳۹ و ۲۳۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

(۱۵۶)»

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد بهبود می‌یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می‌شود. (۱)
عمر مردان در عصر حضرتش چندین برابر عمر کنونی خواهد شد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

در دوران حکومت او آنقدر مردمان عمر می‌کنند که برای هر یک از ایشان هزار فرزند پسر به دنیا خواهد آمد. (۲)

۱- «مِنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ ذِي عَاهِيَةٍ بَرِيءٍ وَ مَنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ» کتاب «المهدی» / ۱۹۷، «بشارة الاسلام» / ۲۴۳ و «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۵ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «الغیبة»، شیخ طوسی / ۲۸۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۵۷)»

حتی در روایات اسلامی اشاره به تغییرات کیهانی دارد که طول سال از یک سال به مدت ۱۰ سال افزایش می‌یابد، یعنی هر سال در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام به اندازه ۱۰ سال در دوران قبل از ظهور است.

امام باقر علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید:

هر سال در آن دوران برابر ۱۰ سال شماست.

ابوسعید از حضرتش می‌پرسد:

سال‌ها چگونه طولانی می‌شود؟

حضرتش فرمود:

خداوند به فلک دستور می‌دهد که آرام‌تر بچرخد و بدین گونه روزها و

(۱۵۸)»

سال‌ها طولانی می‌شود. (۱)

از این روایت برمی‌آید که حتی در وضعیت کهکشان‌ها نیز تغییراتی رخ خواهد داد و زمان در گیتی طولانی‌تر خواهد شد. در عصر حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام دانش به اوج خود خواهد رسید و مشکل ارتباطات به کلی حل می‌شود، عمر طبیعی انسان‌ها چندین برابر می‌گردد، به بیماری‌ها و معلولیت‌ها خاتمه داده خواهد شد، به سوی دیگر سیاره‌ها همگان سفر خواهند کرد. آیا این سعادت حقیقی نیست؟

۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

(۱۵۹)»

امنیّت جهان در سایه تمدّن حضرت مهدی علیه‌السلام

اگر بخواهیم درباره امنیت سخن گوئیم باید بیان کنیم که در یک جامعه چند گونه امنیت را می‌توان تصور کرد :

۱- امنیت فردی

۲- امنیت اجتماعی

۳- امنیت منطقه‌ای

قطعا برای تأمین سعادت و آسایش انسان در این جهان به همه گونه امنیت نیاز است و به مجرد از بین رفتن یکی از آن‌ها حیات انسان در معرض خطر جدی می‌افتد.

تحقق امنیت آرمان همه امت‌هایی است که خواستار پی‌ریزی یک تمدّن انسانی می‌باشند و اگر امنیت و آسایش سیاسی یک کشور

دچار مشکل شود برپایی هر نوع

(۱۶۰) ﴿﴾

تمدن و بدست آمدن هر گونه پیشرفت اگر نگوییم محال است لاقبل بسیار دشوار خواهد شد.

امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور

امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور

قیام حضرت مهدی علیه السلام یعنی اتمام حیات همه فرعونان و فاسدان تاریخ. قیامت بقیه الله الاعظم علیه السلام یعنی پایان زندگی همه بیدادگران و ستم پیشه گان جهان و قیام حجه بن الحسن علیه السلام یعنی برچیده شدن تمام کاخ‌های بیداد در سراسر گیتی . امام علیه السلام فرمودند :

بر هر ستمگر و ستمگرزاده‌ای پیروز می‌شود و آن قدر عدالت در جهان آشکار می‌سازد که مردگان‌شان آرزوی زندگی -
مجدد در دنیا - می‌نمایند. (۱)

(۱۶۱) ﴿﴾

حتی در کتب اهل سنت نیز تصویر آن دوره به روشنی بیان شده است. مثلاً در کتاب «عقد الدرر» می‌خوانیم :

حضرت مهدی علیه السلام امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند.

گرگ و گوسفند در یک مکان به چرا مشغول می‌شوند.

کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسد.

شرّ و بدی برداشته می‌شود و خیر باقی می‌ماند.

انسان یک مُدّ (۱) (بذر) می‌کارد و ۷۰۰ مُدّ حاصل برداشت می‌کند. چنان‌که

۱- «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ / ۶۱ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- هر مُدّ در حدود ۷۵۰ گرم می‌باشد.

(۱۶۲) ﴿﴾

قرآن کریم می‌فرماید: «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (۱) (همانند یک دانه که از آن

هفت سنبل بروید و هر سنبل صد دانه باشد و خداوند برای هر کس بخواهد بیشتر هم عطا می‌فرماید).

ربا برداشته می‌شود.

زنا برداشته می‌شود.

شرب خمر از بین می‌رود.

مردم به اطاعت و عبادت روی می‌آورند.

دین رونق می‌یابد .

۱- قرآن کریم، ۲۶۱ / بقره .

(۱۶۳) ﴿﴾

نمازها به جماعت خوانده می‌شود.

عمرها طولانی می‌گردد.

امانت‌ها رعایت می‌شود .
 درختان پرثمر می‌گردند.
 برکت‌ها بسیار افزون می‌شود .
 بدها و شروران هلاک می‌شوند.

نیکان می‌مانند و از دشمنان اهل بیت پیامبر کسی باقی نمی‌ماند. (۱)

۱- «عَقْدُ الدَّرِّ»، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی/ ۱۵۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
 (۱۶۴) (۱)

اگر بخواهیم براساس آنچه از روایات بدست می‌آید آن دوران را از بُعد اقتصادی ترسیم کنیم باید بگوییم :

الف - نابودی نظام فقرمداری

در دوران حکومت مهدی علیه‌السلام از فقر نشانه‌ای نخواهد بود، نه که عده‌ای سیر بخوابند و در کنارشان انسان‌هایی فراوان به گرسنگی شب و روز را سپری کنند و پایه‌های اقتصادی را عده‌ای محدود در اختیار خویش گیرند و با تمام ترفندهای حيله گرانه تازه کاران را به زمین زنند و از قدرت خویش بهره گیرند و تولید کالاهایی را در انحصار خویش قرار دهند. بلکه در دوران طلایی حضرت مهدی علیه‌السلام هر که
 (۱۶۵) (۱)

بخواهد تلاش کند به آزادی زمینه تلاش برایش فراهم خواهد شد. نه زورگویی اقتصادی خواهد بود و نه انحصار تولید که همگان در بهره‌وری از نعم الهی برابرند.

چون حکومت آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آشکار شود مهدی علیه‌السلام - به عنوان فرمانروای آن حکومت - در حد پایین‌ترین فرد جامعه اسلامی از نعمت‌های مادی بهره‌ور خواهد شد و تمامی یاران حضرتش نیز در این کار با او همراه خواهند بود.
 مُعَلَّى بن خُنَيس گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتیم:
 اگر حکومت به دست شما افتد ما در کنار شما در عیش و رفاه خواهیم بود.
 حضرتش فرمود:

به خدا سوگند اگر این امر به دست ما افتد جز نان سبوسین نخواهیم خورد و جز لباس خشن به تن نخواهیم کرد. (۱)
 (۱۶۶) (۱)

ب - رفاه اقتصادی

در دوران حاکمیت حضرت مهدی علیه‌السلام رفاه، همگانی می‌شود و تمام آحاد مردم در زیر چتر حکومت آن حضرت از مواهب طبیعی یکسان بهره‌مند خواهد شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

اَمْتُ مَنْ فِي دَوْرَانِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ چنان متنعم شود که بسان آن بهره‌وری را (در تمام زمان‌ها) ندیده باشد. آسمان پیوسته باران (رحمت) خود را بر ایشان فرومی‌فرستد و زمین چیزی از رویدنی‌اش باقی نمی‌ماند مگر آن که برویاند. ثروت در آن روز بر
 ۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۴۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
 (۱۶۷) (۱)

روی هم انباشته می‌شود. (چون) مردی به پاخیزد و بگوید: ای مهدی بر من عطا فرما. گوید: بگیری. (۱)

در جای دیگر حضرتش فرمودند:

در پایان ائمت من مهدی علیه‌السلام خروج خواهد کرد. خداوند با باران رحمتش او را سیراب می‌کند. زمین گیاهش را می‌رویانند. او ثروت را به مساوات تقسیم می‌کند. دام (چهارپایان بهره‌ده) در جهان فراوان می‌شوند و ائمت (اسلامی) بسیار بلندی خواهند گرفت. (۲)

۱- «عقدالدرر» یوسف بن یحیی مقدسی شافعی / ۱۷۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
(۱۶۸)»

و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

زمین بار محصول خویش را می‌دهد و در دل خود چیزی برجای نمی‌گذارد. در آن روزگار مال و ثروت خرمن شود. هر کس در برابر مهدی بایستد و بگوید: ای مهدی به من مالی بده! مهدی بی‌درنگ گوید: بگیر. (۱)
امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هر گاه قائم ما قیام کند (دارایی‌ها) را به مساوات تقسیم می‌کند و در میان آفریدگان خدای رحمان به عدالت رفتار می‌کند، خواه نیکوکاران باشند و خواه

۱- «تاریخ ما بعدالظهور»، محمد صدر / ۷۷۴ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
۲- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۸۸ نقل از «در فجر ساحل» محمد حکیمی / ۴۰ .
(۱۶۹)»

زشت کرداران... و تمام اموال دنیا آنچه در روی زمین است و آنچه در درون آن، برای او گرد هم می‌آید. پس به مردمان می‌گوید: بیاید آنچه را که به خاطرش با ارحام خود قطع رابطه کردید و به خاطر آن خون‌ها ریختید و به خاطرش مرتکب حرام‌های الهی شدید، (آن‌ها را برگزید) پس به گونه‌ای (از اموال) ارزانی می‌کند که پیش از او احدی چنین عطا و بخشش نکرده است. (۱)

امام موسی کاظم علیه‌السلام در اوصاف حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید:

او دوازدهمین ماست، خداوند هر سختی را برایش آسان و هر امر مشکلی را سهل می‌گرداند. برایش گنج‌های زمین را آشکار و هر مقصد دور را نزدیک می‌نماید.

۱- «عَلَلُ الشَّرَائِعِ»، شیخ صدوق نقل از «منتخب الاثر»، لطف‌الله صافی / ۳۱۰.
(۱۷۰)»

طومار زندگی ظالمان را توسط او درهم می‌پیچد و بالاخره هر شیطان پلید را به دست او نابود می‌سازد. (۱)

در بیانات امامان علیهم‌السلام چنین رسیده است:

اگر مردی از مهدی درخواست مال و مکنت کند، به او خطاب می‌کند که از خزانه‌دار حضرتش مقدار مورد نیاز را بگیرد و خزانه‌دار آن حضرت بدان فرد می‌گوید به مقداری که توان حمل آن را داری از این مال‌ها بردار .

و یا در جای دیگر امام مهدی علیه‌السلام در خطاب به مردمان می‌فرماید:

این‌ها اموالی است که به خاطر آن برهم ستم می‌کردید. پس هر چه می‌خواهید از

۱- «کمال الدین»، شیخ صدوق، ج ۲ / ۳۶۸ و ۳۶۹ .

(۱۷۱)»

این اموال برگیرد .

در منابع عامه به نقل از کتاب «بشارة المصطفی» آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

مهدی علیه‌السلام نسبت به اموال، بخشنده‌ای جواد است و نسبت به مستمندان با مهر و عطوفت و نسبت به کارگزاران خویش بسیار با شدت می‌باشد. (۱)

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی علیه‌السلام به گونه‌ای است که در گذشته تاریخ بی‌سابقه بوده است. گویی تمام قوای زمینی و آسمانی دست بردست هم داده‌اند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند و قدرت لایزال الهی را در گستردگی

۱- «منتخب الاثر»، لطف‌الله صافی / ۳۱۱.

﴿ (۱۷۲) ﴾

نعمت و بخشش بر همگان بنمایاند، تا بشر به زبان فطرت در بارگاه قدس او اعتراف کند که مُلک هستی از آن اوست و هر چه فرمان دهد وقوعش قطعی است، که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۚ إِنَّكُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (۱)

آیا ندیدید آنچه را که در زمین کشتید آیا شما آن (دانه) را رویانیدید یا این که ما آن را رویانیدیم؟!

و خداوند چنین مقدر داشته است که آن بهشت زمینی را در دوران مسرت‌آفرین آخرین خلیفه‌اش حضرت مهدی علیه‌السلام آشکار فرماید تا بوی گل و سنبل تمام فضا را عطر آگین کند و درختان سربر فلک کشیده سایه خویش را بر زمین بگسترانند و آهوان

۱- قرآن کریم، ۶۳ و ۶۴ / واقعه .

﴿ (۱۷۳) ﴾

و پرندگان در بیشه‌زارانش به جست و خیز و پرواز پردازند، تا همگان توان خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند. (۱)

در ذکر اعمال و آداب مخصوص، جهت ملاقات آن حضرت علیه‌السلام (۲)

آدابی که به برکت آن‌ها می‌توان حضرت را زیارت کرد:

در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آن‌ها به سعادت ملاقات حضرت حجت علیه‌السلام رسید؛ شناسد یا نشناسد؛ در خواب یا بیداری و بردن بهره و فیضی از آن

۱- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است .

۲- این مطالب از کتاب خورشید غایب مختصر نجم‌الثاقب، تألیف رضا استادی، استفاده شده است .

﴿ (۱۷۴) ﴾

حضرت ؛ هرچند که نباشد مگر زیادتی نور یقین و معرفت وجدانی به آن وجود معظم، که از اهم مقاصد است.

رسیدن به این مقصود و بلوغ این مرام، در غیبت کبری ممکن و میسر (است)، بلکه مکشوف می‌شود که می‌توان به وسیله علم و عمل و تقوای تام و معرفت و تضرع و انابت و تهذیب نفس از هر غلّ و غشّ و ریبه و شکّ و شبهه و صفات مذمومه، قابل تلقی اسرار و دخول در سلک خاصان و خواصّ، شد و از کلمات علمای اعلام، در باب یازدهم، شواهدی ذکر می‌شود.

مقصود در این جا، نه بیان دست آوردن راه آن است ؛ که زیاده برای ادای تمام فرایض و سنن و آداب و ترک تمام محرّمات و مکروهات و مبغوضات، به نحوی که از او خواسته‌اند، سایر مقدمات آن، مستور و مخفی است (است) و جز بر اهله

﴿ (۱۷۵) ﴾

مکشوف و مبین ندارند؛ بلکه غرض، به دست آوردن راهی است که شاید به وسیله آن، در عمر خویش، نوبتی به این نعمت برسد؛ هرچند در خواب باشد.

از تأمل در برخی از قصص و حکایات معلوم می‌شود که مداومت بر عمل نیک و عبادتی مشروعه و کوشش در انابه و تضرع، در مدت چهل روز، به جهت این مقصد، از اسباب قریبه و وسیله‌های عظیمه است؛ چنان که رفتن چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله، یا چهل شب جمعه در کوفه، با اشتغال به عبادت، از عمل‌های متداوله معروفه است که بسیار از علما و صلحا دعوی تجربه کرده‌اند.

و نیز زیارت سید الشهداء علیه‌السلام، در چهل شب جمعه و امثال آن.

و ظاهراً مستندی مخصوص در دست ایشان نباشد - نه برای عدد مذکور و نه برای عمل - جز آنچه از کتاب و سنت ظاهر می‌شود؛ که مداومت بر دعا (۱۷۶)»

در چهل روز، در اجابت و قبول، مؤثر است.

در کافی روایت است که محمد بن مسلم گفت: گفتم به جناب باقر، یا صادق علیه‌السلام که: «ما می‌بینیم مرد را که برای اوست عبادت و کوشش و خشوع، و لکن قائل نیست به حق - یعنی به امامت ائمه علیهم‌السلام - پس آیا او را هیچ منفعت می‌دهد؟

فرمود: ای محمد! به درستی که مثل کسانی که به امامت ائمه قائل نیستند و عبادت می‌کنند. مثل اهل بیته بود که در بنی اسرائیل بودند، که هیچ کدام از ایشان، چهل شب کوشش نمی‌کرد، مگر آن که چون دعا می‌کرد، به اجابت می‌رسید. مردی از ایشان، چهل شب سعی و کوشش کرد، آن‌گاه دعا کرد، پس مستجاب نشد.

دعاهایی که به واسطه خواندن آن می‌توان حضرت حجت علیه‌السلام را در خواب یا بیداری دید (۱۷۷)»

و اما اعمال مخصوصه برای حاجت مذکوره؛ چه آن که مختص به امام زمان علیه‌السلام باشد، یا به مشارکت سایر ائمه، بلکه انبیاء علیهم‌السلام؛ پس چند چیز از آن‌ها مذکور می‌شود:

اول: سید جلیل، ابن باقی در «اختیار مصباح» روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که فرمود: «هر کس بخواند بعد از هر نماز فریضه این دعا را، پس به درستی که او خواهد دید امام م ح م د بن الحسن علیه‌السلام را در بیداری یا در خواب:

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱۷۸)»

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا عَنِّي وَ عَنِ الْإِثْمِ وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أُحْيِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَتِي هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرِّرَا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّفِي مُجَرِّدَا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي.

(۱۷۹)»

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ الْكُحْلَ بَصْرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَطَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ عَمِّرْ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبِرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِئِكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَيَّمِي بِإِسْمِ رَسُولِكَ صِلْمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْفَقَهُ وَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَحَقُّقُهُ .

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ انَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرِيهِ قَرِيبًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (۱)
۱- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱ .

(۱۸۰) (۱)

«بار خدایا برسان به صاحب الزمان هر جا که باشد و هر زمان که باشد در مشارق زمین و مغارب زمین، هموار زمین و کوهستانی زمین، از من و از پدر و مادرم و برادران من درود و سلام را به شمارش. بار خدایا قرار ده من را از یاران او و کمک‌های او و پاسداران او و از کسانی که فرمان‌های او را جامه عمل می‌پوشانند و به نواهی او تارک هستم در تمامی روزهای زندگیم و از کسانی مرا قرار ده که جلوی روی ایشان شهید شوم. بار خدایا اگر بین من و او مرگ فاصله شود آن مرگی که برای بندگانت حتم و فرمان داده شده قرار داده‌ای پس مرا از قبرم بیرون آور در حالی که کفنم را به دوش اندازم شمشیرم را بکشم نیزه‌ام را بیرون آورم لبیک گویان جواب کسی از طرف او ندا می‌کند بدهم چه در شهرها و چه در بیابان‌ها. بار خدایا به من

(۱۸۱) (۱)

نشان ده آن شکوفای رشید و آن نورانی ستوده شده و چشم من را سرمه بکش به نگاه او و فرجش را تعجیل فرما و محل بیرون آمدن او را آسان فرما. با آفرینش خدا و به وزن عرش خدا و به آن مقدار که کتاب خدا آن را می‌شمارد و علم خدا به آن احاطه دارد. خداوندا به درستی که من تجدید می‌کنم برای او در بامداد امروز و هر چه من زندگی کنم از ایام زندگیم عهد را و قرارداد را برای او در گردنم که از آن برنگردم و به آن پایان ندهم هرگز و پسر دختر پیامبرت را آن کسی که نامگذاری شده به اسم رسول تو. درود تو بر او و آل او تا اینکه به هر باطلی دست پیدا کند آن را درهم ریزد و آنچه حق است برپا کند به واسطه کلماتی که می‌فرماید و حقایقی که روشن می‌کند. بار خدایا برطرف ساز این گرفتاری را از این امت به ظهور او به درستی که آنها (دشمنان تو) آنرا دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌دانیم و درود فرست بر محمد

(۱۸۲) (۱)

و آل او. بار خدایا توانش را زیاد کن و پشت او را قوی کن و عمرش را طولانی فرما. بار خدایا شهرهایت را به وجود او آبادان فرما و بندگانت را با او احیاء فرما. به درستی که تو گفته‌ای و گفتارت حق است که معلوم شده تباهی در خشکی و دریا به سبب آنچه دست‌های مردمان تحصیل کرده. پس ظاهر ساز بار خدایا ولایت را» .

دوم: شیخ ابراهیم کفعمی در «الجنة الواقیه» فرموده که: «دیدم در بعضی از کتب اصحاب خود که هر کس اراده کرده دیدن یکی از انبیاء و ائمه علیهم السلام را یا سایر مردم یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره شمس، قدر، کافرون، توحید و معوذتین (۱)، آن‌گاه بخواند سوره توحید را صد مرتبه و صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله

۱- یعنی سوره ناس و فلق .

(۱۸۳) (۱)

صد مرتبه و بخوابد بر طرف راست ؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد کرده - ان شاء الله تعالی - و سخن خواهد گفت با آن‌ها به آنچه می‌خواهد از سؤال و جواب.

و دیدم در نسخه دیگر، همین را به عینه، جز آن که گفته: به جامی آورد این را هفت شب، بعد از دعایی که اولش این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي...».

مخفی نماند که این دعا را سید علی بن طاووس روایت کرده در کتاب «فلاح السائل» به اسناد خود از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمود: «هرگاه اراده کردی که بینی میت خود را، پس بخواب با طهارت و بخواب بر طرف راست خود، و بخوان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را و بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ...» .

شیخ طوسی در مصباح خود فرموده: کسی که اراده کرده دیدن میتی را در

(۱۸۴) (۱)

خواب خود، پس بگوید در وقت خواب:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ يَدَاتِ الْأَشْيَاءِ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مُلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا يَكُنْ لَهُ مُلْجِئًا وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَأَشِئْ لَكَ بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَأَشِئْ لَكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُرَبِّبَنِي مَيْتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا» (۱).

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۹. بار خدایا تویی زنده‌ای که به وصف درنیاید و ایمان شناخته می‌شود وجودش از توت. ابتداء کردی به خلق اشیاء و به سوی تو است بازگشت آنها پس هرچه از اشیاء که آفریده شده تو پناه آن و محل نجات آن هستی و آنچه از آنها رفته است پس پناهی و محل نجاتی از تو جز سوی تو نیست و از تو می‌خواهم به لاله آن (این که نیست معبودی جز تو) و از تو می‌خواهم به بسم الله الرحمن الرحيم (به نام خداوند بخشاینده مهربان) و به حق حبیب تو محمد صلی الله علیه و اله سید انبیاء و به حق علی بهترین اوصیاء و به حق فاطمه سیده زنان جهانیان و به حق حسن و حسین، آن دو نفری که قرارشان دادی دو آقای جوانان بهشت همگی این که درود بفرستی بر محمد و آل او و اهل بیتش و این که به من نشان دهی میت مرا در این شب که در آن هستم.

(۱۸۵) (۱)

پس، به درستی که تو خواهی دید او را - ان شاء الله تعالی - و مقتضای عموم اول خبر، این دعا را برای میت، حتی انبیاء و ائمه علیهم السلام - چه زنده و چه متوفی - می‌شود خواند.

باید آن کسی که عامل به این نسخه می‌کند، تبدیل کند آخر دعا را به آنچه مناسب مقام امام زنده و پیغمبر زنده است! بلکه ظاهر آن است که اگر برای نبی یا امام - چه

(۱۸۶) (۱)

زنده و چه متوفی - باشد، باید تغییر دهد.

و مؤید این مطلب آن که در کتاب «تسهیل الدّواء» بعد از ذکر دعای مذکور، گفته که: ذکر کرده بعضی از مشایخ ما رحمه الله که هر کس اراده کرده که ببیند یکی از انبیا یا ائمه هدی علیهم السلام را، پس بخواند دعای مذکور را تا آن جا که «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، آن گاه بگوید: «أَنْ تُرَبِّبَنِي فَلَانًا» (۱) یعنی نام آن را که خواسته، برد و بخواند بعد از آن، سوره شمس، لیل، قدر، کافرون، توحید و معوذتین را، آن گاه صدمرتبه سوره توحید را بخواند، پس، هر که را اراده کرده، خواهد دید و سؤال می‌کند از او، آنچه را قصد کرده و جواب خواهد داد او را - ان شاء الله تعالی -

۱- یعنی در این نقل به جای «میت»، «فلانا» گفته شده که مخصوص به میت نباشد.

(۱۸۷) (۱)

سوم: شیخ مفید رحمه الله در کتاب اختصاص روایت کرده از یکی از راویان، از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که گفت: شنیدم از آن حضرت که می‌فرماید: «هر کسی که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارک و تعالی و اراده کرده که ما را ببیند و مقام

و مرتبه خود را بداند، پس غسل نماید سرش و مناجات کند به ما (یعنی - واللّه العالم - که که با خدای تعالی مناجات کند به توسط ما، به این که قسم دهد او را به حق ما و متوسّل شود به حضرت او به وسیله ما، که ما را به او بنمایاند و مقام او را در نزد ما به او نشان دهد) پس به درستی که او خواهد دید ما را و می‌آمزد او را خداوند به سبب ما و پوشیده نمی‌شود بر او موضع و محلّ او (یعنی مقام او) .

و بعضی گفته‌اند: مراد از «مناجات کردن به ما»، این [است] که دیدن «ما» را از هم خود قرار دهد و دیدن و محبت «ما» را ذکر نفس خود گرداند، که خواهد دید ایشان را.

((۱۸۸))

استغاثه به حضرت علیه‌السلام

سید فضل‌الله راوندی در کتاب «دَعَوَات» و علامه مجلسی در «بحار» از کتاب «مجموع الدَعَوَات» تلعبیری و سید علی خان در «کَلِم الطَّيِّب» از «قبس المصباح» روایت کرده‌اند از ابوالوفای شیرازی که گفت: «من اسیر بودم در حبس الیاس، با ضیق حال؛ پس چنین معلوم شد بر من که او قصد قتل من کرده؛ پس شکایت کردم به سوی خداوند تبارک و تعالی و شفیع قرار دادم مولای خود، ابی‌محمد، علی بن‌الحسین، زین‌العابدین علیه‌السلام را؛ پس خواب مرا ربود. (۱)

۱- و به روایت «قبس»: - پس موکلین به من گفتند که: «قصد بدی به تو کرده». پس من مضطرب شدم و بنا کردم به مناجات کردن با خداوند به توسّل پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام و چون شب جمعه شد و فارغ شدم از نماز، خوابیدم.

((۱۸۹))

در خواب دیدم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله [را] که آن جناب می‌فرماید که: متوسّل نشو به من و نه به دختر من و نه به دو پسر من از برای چیزی از متاع دنیا، بلکه از برای آخرت و آنچه را آرزو داری از فضل خدای تعالی.

و اما برادرم، ابوالحسن علیه‌السلام، پس او انتقام می‌کشد از کسی که ظلم کرده تو را. پس گفتم: یا رسول‌الله آیا نبود که فاطمه علیها‌السلام را ظلم کردند، پس صبر کرد و میراث تو را غصب کردند، صبر نمود؛ پس چگونه انتقام می‌کشد از کسی که مرا ظلم نموده؟

پس حضرت نظر کرد به من از روی تعجب و فرمود: آن عهدی بود که به او کرده

((۱۹۰))

بودم و امری بود که به او، امر نموده بودم و جایز نبود برای او مگر به پاداشتن آن و به تحقیق که ادا کرد حق را. و الان، پس وای بر کسی که متعزّض شود موالی او را.

اما علی بن‌الحسین علیه‌السلام، پس، از برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین.

و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد علیه‌السلام، پس، از برای آخرت و - به روایتی - آنچه بخواهی از طاعت خداوند و رضوان او. و اما موسی بن جعفر علیه‌السلام، پس بخواه به او عافیت. و اما علی بن موسی علیه‌السلام، از برای نجات و - به روایتی - بطلب از او سلامتی را در سفرها در بحر و بر.

و اما محمد بن علی علیه‌السلام، بطلب به سبب او نزول رزق را از خدای تعالی.

و اما علی بن محمد علیه‌السلام، از برای قضای نوافل و نیکی اخوان و آنچه بخواهی از طاعت خداوند عزّ و جلّ. و اما حسن بن علی علیه‌السلام، از برای آخرت.

((۱۹۱))

و اما حجت علیه‌السلام، پس هرگاه رسید شمشیر به محل ذبح تو - و حضرت اشاره فرمود به دست خود به سوی حلق - پس استغاثه بکن به او!؛ به درستی که درمی‌یابد تو را و او فریادرس است و پناه است از برای هرکس که استغاثه کند؛ بگو: «یا مَوْلای یا صَاحِبَ الزَّمانِ! اَنَا مُشْتَغِیْتُ بِكَ» .

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدعی مشاهده آن جناب علیه‌السلام، در غیبت کبری رسیده است

شیخ صدوق رحمه‌الله در «کمال‌الدین» و شیخ طبرسی رحمه‌الله در «احتجاج» روایت کرده‌اند که: بیرون آمد توقیع به سوی ابی‌الحسن سمری که:

«ای علی بن محمد سمری! بشنو! خداوند، اجر برادران تو را در تو بزرگ گرداند،

» (۱۹۲) (۱)

پس به درستی که تو فوت خواهی شد، از حال تا شش روز؛ پس جمع کن امر خود را و وصیت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد بعد از وفات تو؛ پس به تحقیق که واقع شد غیبت تا مه؛ پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و این بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پرشدن زمین است از جور و زود است که می‌آید از شیعه من کسی که مدعی مشاهده است؛ آگاه باشید که هر کس مدعی شود مشاهده را پیش از خروج سفیانی و صیحه (۱)، پس او کذاب و مُفْتَری است؛ «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

و نیز در چند خبر دیگر اشاره به این مطلب فرموده‌اند.

۱- خروج سفیانی و صیحه و صدای آسمانی از علامات‌های ظهور امام عصر علیه‌السلام است.

» (۱۹۳) (۱)

و جواب از این خبر به چند وجه است:

جواب اول آن که: این خبر که سندش ضعیف است و غیر آن، خبر واحد است که جز ظن و گمان از حاصل نشود و موجب جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی، که از مجموع قصص و حکایات مربوط به کرامات امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ» نقل شده است. بلکه برخی از آن حکایات دارابود کرامات و خارق‌عاداتی را که ممکن نباشد صدور آنها از غیر آن جناب علیه‌السلام.

و علمای اعلام - از قدیم تا حال - امثال آن حکایات را قبول دارند و در کتب ضبط فرموده‌اند و به آن استدلال کرده‌اند و از یکدیگر گرفته‌اند و از هرکس که اطمینان به صدق کلام او داشته‌اند، تصدیق کرده‌اند.

جواب دوم آن که: شاید مراد از این خبر، تکذیب کسانی باشد که مدعی

» (۱۹۴) (۱)

مشاهده‌اند با ادعای نیابت و رساندن اخبار از جانب آن جناب علیه‌السلام به سوی شیعه؛ چنان که سفرای خاص آن حضرت در غیبت صغری داشتند و این جواب از علامه مجلسی در کتاب «بحار» است.

جواب سوم آن که: زین‌الدین علی بن فاضل، به سید الدین عرض کرد که: «ای سیدمن! ما روایت کردیم احادیثی از مشایخ خود، از صاحب‌الامر علیه‌السلام که آن حضرت فرمود: هر که در غیبت کبری گوید که مرا دیده، به تحقیق که دروغ گفته، پس چگونه در میان شما کسی است که می‌گوید من آن حضرت را دیده‌ام؟

سید شمس‌الدین گفت: راست می‌گویی؛ آن حضرت این سخن را فرمود در آن زمان، به سبب بسیاری دشمنان، از اهل بیت خود و غیر ایشان از فراعنه زمان از خلفای بنی‌عباس؛ حتی آن که شیعیان در آن زمان، یکدیگر را منع می‌کردند از ذکر کردن

(۱۹۵) (۱)

احوال آن جناب و اکنون زمان طول کشیده و دشمنان از او مأیوس گردیدند. و سید مرتضی در «تنزیه الانبیاء» در جواب آن کسی که گفته: «هرگاه امام غایب باشد به نحوی که نرسد به خدمت او احدی از خلق و منتفع نشود به او، پس چه فرق است میان وجود او و عدم او؟» فرموده: «اول چیزی که در جواب او می‌گوییم، این که: ما قطع نداریم که نمی‌رسد خدمت او احدی و ملاقات نمی‌کند او را بشری و این امری است که معلوم نشده و راهی نیست به سوی یقین کردن به آن...» (۱).

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف رضا استادی، استفاده شده است. (۱۹۶) (۱)

«کتابنامه»

- ۱- بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۲- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۵- نوری، میرزا حسین، خورشید غائب (مختصر نجم‌الثاقب)، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۶- برنجیان، جلال، آینده جهان، سوم، تهران، انتشاراتی طور تهران.
- ۷- بحارالانوار، ج ۸۶.
- (۱۹۷) (۱)
- ۸- بحارالانوار، ج ۵۳.
- ۹- مصطفوی، علی اصغر، «سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، نقل از نصری، عبدالله «سیمای انسان کامل».
- ۱۰- حموی، حافظ، «فرائد السمطين»، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُتَنْتَظَرُ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین عسکری، ج ۲.
- ۱۱- راشدی، لطیف، «الحاوی للفتاوی» جزء دوم، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام.
- ۱۲- محی‌الدین، «فتوحات مکیه»، نقل از ترجمه «کشف الأستار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط.
- ۱۳- شیخ مفید، «الاختصاص»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام.
- (۱۹۸) (۱)
- ترجمه لطیف راشدی.
- ۱۴- طبرسی، «اعلام‌الوری»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۱۵- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ باب توقیعات.
- ۱۶- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱.
- ۱۷- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱.

- ۱۸ - صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۹ - عاملی، شیخ حرّ، «اثبات الهداء»، ج ۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
(۱۹۹) (۱)
- ۲۰ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۳ نقل از اصفهانی، محمد تقی، «ترجمه مکیال المکارم»، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
- ۲۱ - امین، سید محسن، «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه‌السلام).
- ۲۲ - «الزام الناصب»، ج ۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۲۳ - نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۴ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲ .
- ۲۵ - «بحار الانوار»، ج ۵۲ .
- ۲۶ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۱ به نقل از «کمال‌الدین».
- ۲۷ - نعمانی، ابن ابی زینب، «الغیبه»، «الزام الناصب» نقل از کتاب مخطوط
(۲۰۰) (۱)
- درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۸ - «المهدی»، «بشارة الاسلام» و علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۹ - شیخ طوسی، «الغیبه»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۳۰ - «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۱ - مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۳۲ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام
(۲۰۱) (۱)
- ترجمه لطیف راشدی .
- ۳۳ - مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۳۴ - صدر، محمد، «تاریخ مابعد الظهور»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۳۵ - علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۱، نقل از حکیمی، محمد، «درفجر ساحل» .
- ۳۶ - شیخ صدوق، «علل الشرایع»، نقل از صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر» .
- ۳۷ - شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲ .
- ۳۸ - صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر» .
- ۳۹ - مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی «عج»، یازدهم، قم، انتشارات
(۲۰۲) (۱)
- نسل جوان
- ۴۰ - آیات اعظام صافی گلپایگانی، سبحانی، کورانی، در جستجوی نور، دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران

۴۱- امینی، ابراهیم - دادگستر جهان - ۲۵ - قم - انتشارات شفق

۴۲- مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

۴۳- بحارالانوار، جلد ۵۲.

۴۴- صحیح ترمذی، باب ما جاء فی الدجال.

۴۵- «هدیه‌ الاحباب».

۴۶- تفسیر برهان.

۴۷- نهج‌البلاغه، کلمات قصار.

((۲۰۳))

۴۸- بحارالانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم.

۴۹- بحارالانوار، جلد ۱۲.

۵۰- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار.

۵۱- منتخب الاثر.

۵۲- مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات امام عصر علیه‌السلام.

۵۳- طباطبایی، سید محمد، ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان علیه‌السلام، دوم، قم، انتشارات شمیم گل نرگس.

۵۴- علی‌پور، حسین، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه‌السلام، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

((۲۰۴))

۵۵- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه‌السلام، دهم، قم، انتشارات نبوغ.

۵۶- موسی‌الصفار، حسن، امام مهدی علیه‌السلام امید ملت‌ها، پنجم، تهران، انتشارات آفاق.

۵۷- علامه مَهری، سید مصطفی، مهدی موعود علیه‌السلام یارانی این‌گونه دارد، اول، قم، انتشارات علامه بحرانی.

۵۸- فلسفی، محمّد تقی، حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام، اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

علیه‌السلام.

۵۹- حسینی، سیدحسین، یاد محبوب، دوم، تهران، انتشارات نشر آفاق.

۶۰- حکیمی، مهدی، منتظر، چشم به راهی فریادگر!!!! - اول - مشهد - انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

((۲۰۵))

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه‌السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحارالانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۹۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

